



Moral shocks, Rise and fall of emotions in Persian X (Twitter) during The Unrest of 2022

Saeedeh Amini[✉]  Mohammad Ali Dadgostarnia 

1. Corresponding Author, Associate Professor of Sociology, Department of Sociology, Faculty of Social Science, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran. E-mail: saeedeh.amini@gmail.com
2. PhD student, Sociology Department, Faculty of Social Science, Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran. E-mail: a.dadgostarnia@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 2 October 2023 Received in revised form 16 January 2024 Accepted 14 February 2024 Published online 19 February 2024</p> <p>Keywords: Reciprocal emotions shared emotions moral shocks social change computational social sciences</p>	<p>The relationship between social media and political activism is influenced by various factors including emotions which can either strengthen or weaken this connection. The aim of this article is to explore the relationship between moral shocks, Reciprocal emotion and Shared Emotion in the autumn of 2023. To accomplish this target a conceptual framework based on the sociology of emotions was developed and data was collected from the Twitter platform between September 6, 2023 and November 6, 2023. The computational social science method was employed to analyze the fluctuations of Reciprocal and Shared Emotion in relation to moral shocks. The key findings of the research indicate that during the mentioned period reciprocal emotions (such as enthusiasm, joy, empathy and hope) gradually surpassed Shared emotions (including fear, sadness, anger and hatred). enthusiasm emerged as the strongest emotion while sadness was the weakest. Moreover, moral shocks targeting specific individuals generally elicited less anger, hatred and sadness compared to shocks with a collective identity. Additionally, Twitter activists' retweeting of posts from opposition figures abroad played a prominent role in intensifying Shared emotions, particularly anger and hatred. Conversely, the tweets of civil and human rights activists contributed significantly to strengthening Reciprocal emotions, particularly a sense of enthusiasm, leading to short-term victories.</p>

Cite this article: Amini, S., & Dadgostarnia, M.A. (2024). Rise and fall of emotions in Persian X (Twitter) during The Unrest of 2022. *Sociological Review (Social Science Letter)*, 30 (2), 229- 256.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2024.365904.1901>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2024.365904.1901>.



شوک‌های اخلاقی، صعود و افول عواطف در ایکس (تویتر) فارسی طی ناآرامی‌های ۱۴۰۱

سعیده امینی^۱ | محمدعلی دادگسترنیا^۲۱. نویسنده مسئول، دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، رایانامه: saeedeh.amini@gmail.com۲. دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: a.dadgostarnia@gmail.com

چکیده	اطلاعات مقاله
در پیوند شبکه‌های اجتماعی و کنشگری سیاسی، عوامل مداخله‌گری نظیر عواطف، گاه به تحکیم این پیوند و زمانی به تضعیف آن منجر می‌شوند. هدف مقاله حاضر بررسی پیوند شوک‌های اخلاقی با عواطف مشترک و متقابل در پاییز ۱۴۰۱ است. به منظور نیل به این هدف چارچوب مفهومی منبعت از حوزه جامعه‌شناسی عواطف تنظیم گردید و داده‌های پژوهش با اتکاء به روش محاسباتی از تاریخ ۱۵ شهریور ۱۴۰۱ تا ۱۵ آبان ماه ۱۴۰۱ از بستر تویتر جمع‌آوری شد تا فراز و فرود عواطف مشترک و متقابل در جریان کنش جمعی و در نسبت با شوک‌های اخلاقی مطالعه گردد. مهم‌ترین نتایج تحقیق حاکی از آنست که در دوره مذکور به تدریج عواطف متقابل (شوق، شادی، همدلی و امید) بر عواطف مشترک (ترس، غم، خشم و نفرت) پیشی گرفتند و شوق پررنگ‌ترین و غم کمرنگ‌ترین عاطفه بود. همچنین در بین شوک‌های اخلاقی آنهایی که معطوف به فرد خاصی بودند، در مقایسه با شوک‌های اخلاقی که هویت جمعی داشته‌اند، مجموعاً از خشم، نفرت و غم کمتری برخوردار بوده‌اند. همچنین در بین فعالان تویتر، تویتهای اپوزیسیون خارج از کشور و بازنشر آنها نقش برجسته‌ای در تقویت عواطف مشترک (بالاخص خشم و نفرت) داشته‌اند و از سوی دیگر تویتهای فعالان مدنی و حقوق‌نقش برجسته‌ای در تقویت عواطف متقابل (بالاخص حس شوق) و تحقق پیروزی در کوتاه‌مدت را داشته‌است.	<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰</p> <p>کلیدواژه‌ها: عواطف متقابل، عواطف مشترک، شوک‌های اخلاقی، تغییرات اجتماعی، علوم اجتماعی محاسباتی</p>

استناد: امینی، سعیده و دادگسترنیا، محمدعلی (۱۴۰۲). شوک‌های اخلاقی، صعود و افول عواطف در ایکس (تویتر) فارسی طی ناآرامی‌های ۱۴۰۱. *مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی)*, ۳۰ (۲), ۲۵۶-۲۲۹

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2024.365904.1901>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

در جهان پرهیاهوی کنونی نقش بی بدیل رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در بروز تحولات اجتماعی حائز اهمیت است. حضور پررنگ آنها در جریان جنبش‌های شبکه‌ای^۱ در سال ۲۰۱۱ و نقش برجسته آنها در بسیج نیروهای اجتماعی در آن برهه سبب شد تا پیوند شبکه‌های اجتماعی و کنش‌های جمعی در کانون توجه بسیاری از محققان قرار گیرد و برخی بر نقش بسیار مهم آنان در پیشبرد، سازماندهی غیررسمی و بدون رهبر اعتراضات سیاسی تاکید کنند. به زعم آنان در دوران سیاسی کنونی، بسیج اجتماعی بیشتر از طریق سه رسانه اجتماعی فیس‌بوک، پیامک و توییتر اتفاق افتاده است (Dunu & Uzochukwu, 2015).

در واقع اینترنت به ویژه رسانه‌های اجتماعی مانند توییتر و فیس‌بوک به یکی از ابزارهای فعالیت‌های اعتراضی (اعم از رفتارهای جمعی یا جنبش‌های اجتماعی) تبدیل شده است. اینترنت کنشگری را تسهیل کرده و برای مدیریت و پشتیبانی از فعالیت‌های جمعی استفاده می‌شود. همه اینها می‌تواند منجر به مشارکت عمومی بیشتر شود که کنشگری وب پایه را پدید آورده است. یکی از وعده‌های بزرگ اینترنت امکان غلبه افراد و سازمان‌های مردمی بر دروازه‌بان‌های سنتی رسانه‌ها برای ارتباط مستقیم با فعالان بالقوه، گروه‌های خاص و عموم مردم است (Isa & Himelboim, 2018).

رسانه‌های اجتماعی با غیررسمی‌تر و مجازی‌تر کردن، کنشگری سیاسی را تا حد زیادی تسهیل کرده‌اند (Gerbaudo, 2012). این ماهیت غیررسمی فرصتی را برای بازیگران غیرنخبه ایجاد کرده است تا نقش فعالی را برای جنبش‌ها در هر نقطه از جهان ایفا کنند (Carty, 2014). رسانه‌های اجتماعی برای بازیگران اصلی که نیاز به برقراری ارتباط بیشتر و منظم با یکدیگر دارند بیشترین سود را داشته است (Yates, 2015) و به نخبگان، غیرنخبگان و بازیگران اصلی این امکان را داده‌اند تا آزادانه بدون هیچ گونه مقررات و محدودیت‌های دولتی به جنبش کمک کنند.

در ایران نیز فراگیری و استفاده از اینترنت بسیار قابل توجه است. طبق آماري که منتشر شده است تا پایان خردادماه ۹۹ بالغ بر ۷۸ میلیون و ۸۶ هزار و ۶۶۳ نفر در ایران از اینترنت استفاده می‌کنند و به بیان دیگر مشترک اینترنت هستند. از این تعداد ۶۸ میلیون و ۹۹۲ هزار و ۱۱۵ نفر مشترک اینترنت موبایل و ۹ میلیون و ۹۴ هزار و ۵۴۸ نفر مشترک اینترنت ثابت هستند.^۲ همچنین در گزارش روزنامه اعتماد آمده است که «از روز درگذشت مهسا امینی تا سه ماه پس از آن، ۶۸ درصد از کل محتوای توییتر فارسی، به این موضوع، حواشی و تبعات آن مرتبط بوده و ۷۷ درصد از کل حساب‌های کاربری، حداقل یک مطلب درباره آن منتشر کرده‌اند؛ مضاف بر این، آمار عضویت پیوستن کاربران به توییتر بعد از فوت مهسا امینی به‌طور چشمگیری صعودی شد و با افزایش ۲۶ برابری، از متوسط ۶۰۰ کاربر در روز به ۱۶ هزار کاربر در روز در آن مقطع رسید»^۳.

این موارد نشان می‌دهد کنشگران در ایران نیز به واسطه دسترسی و استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، رفتار جمعی خود را در این بسترها تنظیم می‌کنند. نکته مورد بحث در این پژوهش این است که در این تأثیر و تاثر از طریق رسانه‌های اجتماعی و کنشگری سیاسی، عوامل مداخله‌گری نظیر احساسات و عواطف گاه به این فرایند جان بخشیده و در کالبد شرایط اجتماعی روحی تازه دمیده و زمانی نیز جان‌بخشی متوقف شده و افت و افول، سرنوشت این فرایند شده است.

1. Network Movement

انقلاب‌های دیجیتال عربی، خشمگین‌های اسپانیا و جنبش وال استریت جنبش‌های شبکه‌ای سال ۲۰۱۱ هستند (کاستلز، ۱۳۹۳).

2. B2n.ir/m66413

3. B2n.ir/w00280

فضای آنلاین موجود در شبکه‌های اجتماعی سرایت عواطف را تسهیل می‌کند. افراد در این فضا احساسات و عواطف خود را به اشتراک می‌گذارند. به زعم کریستاکیس^۱ (۲۰۰۹) «اگر کسی به شما لبخند بزند و شما نیز به او لبخند بزنید، این یک سرایت است، احساسات خیلی زود از یک فرد به فرد دیگر منتقل می‌شود. اما قضیه به همین جا ختم نمی‌شود. احساسات تقریباً مانند آنفولانزا یا سرماخوردگی می‌توانند از طریق شبکه‌های اجتماعی پخش شوند». از این حیث عواطف و احساسات در جریان یک کارزار سیاسی اجتماعی می‌تواند در سطح جامعه سرایت یابد و بروز کنش جمعی پیرامون آن را تسهیل نماید.

به زعم جاسپر (۱۹۹۸) سیاست اعتراضی آغشته به عواطف و احساسات است و اعتراض‌ها و جنبش‌های اجتماعی بدون در نظر گرفتن عواطف و احساسات قابل تصور نیستند. عواطف به ایده‌ها، ایدئولوژی‌ها و هویت‌ها قدرت و انگیزه می‌دهند. به بیان دیگر جنبش‌های اجتماعی حامل معنا هستند و سازمان‌دهندگان نهایت تلاش خود را می‌کنند تا در برابر فرد یا گروه خاصی خشم اخلاقی ایجاد کنند. معترضان احساسات منفی را نسبت به شخص، گروه یا ایده‌های مخالف خود تجربه می‌کنند، در حالی که نسبت به گروهی که با آن همذات‌پنداری می‌کنند، احساسات مثبت دارند (Goodwin & Jasper, 2016).

به عنوان مثال یانگ^۲ (۲۰۰۰) دریافت که احساسات منفی و عواطفی مانند خشم، شرم و ترس ناشی از تعامل با مخالفان (در این مورد مقامات چینی) است، در حالی که احساسات مثبت و عواطفی مانند شادی، شفقت و غرور در تعامل با سایر فعالان در داخل گروه (جنبش دانشجویی چین در سال ۱۹۸۹) ایجاد می‌شود. با وجود آنکه احساسات و عواطف ممکن است انگیزه فرد را برای مشارکت در کنش جمعی افزایش دهند، اما در صورت وجود عواطف و تمایلات کنشی ناسازگار، تعارض پیش می‌آید. احساسات نامتجانس به طور مثال مانند ترس، که رفتار فرار را در پی دارد و خشم که رفتار حمله را فعال می‌کند، ممکن است تمایل به فرار و مبارزه را همزمان القا کند. این ناهماهنگی یا فشار متقابل می‌تواند تمایل به پیشروی در اعتراضات را خنثی کرده و هم ممکن است منجر به مشارکت اعتراضی بیشتر شود (Benski, 2011).

القاء امید، پیروزی و شکست یک اعتراض یا جنبش در بستر شبکه‌های اجتماعی واقعی و مجازی تحقق می‌یابد و انگیزه حضور یا عدم حضور در فضای کالبدی شهر را ایجاد می‌کند. برای این اساس مطالعه فراز و فرود عواطف و رخداد‌های مهم در جریان کنش جمعی و در بستر شبکه‌های اجتماعی امری ضروریست. اما در بین شبکه‌های مجازی، توئیتر با توجه به ماهیت متن محور خود همواره مورد توجه معترضین و در پی آن محققین بوده است (مجدی‌زاده، مولایی ۱۳۹۹؛ Grossman 2009). در اعتراضات ۱۴۰۱ ایران این رسانه اجتماعی بسیار مورد اقبال و استفاده کاربران قرار گرفت به طوری که در هفته اول تعداد استفاده از هشتگ «مهسا امینی» از مرز چهل میلیون گذشت و پس از شکستن رکورد تاریخ توئیتر، رکورد هشتگ از زمان استفاده در رسانه‌های اجتماعی را نیز شکست.^۳ اما بسیاری از این هشتگ‌ها توسط اکانت‌هایی که فعالیت ربات‌گونه داشته‌اند تکرار شده است. مارک اون چونز استاد دانشگاه قطری حماد بن خلیفه به سی‌ان‌ان گفته بود: «اینکه مردم در خلال اعتراضات به شبکه‌های اجتماعی کشیده شوند طبیعی است. این اتفاق در ایران و جهان عرب بارها رخ داده است، اما ابعاد این درگیری این بار قابل توجه است. از بین ۱۰۸ هزار اکانتی که از هشتگ «OpIran» استفاده کرده‌اند (هشتگ دیگری که در اعتراضات ترند شده)، سیزده هزار هشتگ توسط اکانت‌هایی منتشر شده که ماه

1. Nicholas Christakis

2. Yang

3. [https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D9%87%D8%B3%D8%A7_%D8%A7%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C_\(%D9%87%D8%B4%D8%AA%DA%AF\)](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D9%87%D8%B3%D8%A7_%D8%A7%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C_(%D9%87%D8%B4%D8%AA%DA%AF))

سپتامبر (همزمان با شروع اعتراضات) درست شده‌اند.^۱ لازم به ذکر است این اتفاق جدیدی نبوده و گمانه‌زنی‌هایی در ارتباط با استفاده ربات‌ها در ستاد انتخاباتی ترامپ در سال ۲۰۱۶ نیز مطرح شده بودند.^۲ اما همانطور که ربات‌های توییتری سال ۲۰۱۶ در انتخابات آمریکا تاثیر داشتند، در اتفاقات دیگری مثل اعتراضات نیز می‌توانند منشا اثر باشند.

از این‌رو گرچه در بسیاری از تحقیقات لازم است تا برای نیل به نتیجه دقیق‌تر اکانت‌هایی که فعالیت ربات‌گونه داشتند از مجموعه داده حذف شوند، اما با علم بر وجود تعداد بالای ربات‌های توییتری، در پژوهش حاضر به دلیل مفاهیمی که ذکر شد من جمله سرایت عواطف و احساسات و تاثیر آن بر رفتار کاربران، لازم است تا مجموعه توییت‌ها بدون حذف ربات‌ها بررسی شوند، چراکه آنها نیز در جهت‌دهی به عواطف نقش داشته‌اند. بر این اساس مقاله حاضر درصدد است تا عواطف متقابل^۳ و مشترک^۴ را در پاییز ۱۴۰۱ در فضای توییتر شناسایی کند و فراز و فرود هریک از عواطف را در نسبت با شوک‌های اخلاقی^۵ رخ داده در زمان مذکور شناسایی، تحلیل و تفسیر نماید.

پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های خارجی به طور گسترده پیوند بین شبکه‌های اجتماعی، کنش‌های جمعی و عواطف مورد مطالعه قرار گرفته است، اما در پژوهش‌های داخلی، تحقیقاتی که به طور توأمان به این سه عنصر بپردازند، یافت نشده‌اند. لذا در بخش داخلی بر مطالعاتی تاکید شد که به پیوند شبکه‌های اجتماعی و عواطف پرداخته‌اند.

پژوهش‌های خارجی مختلفی در حوزه عواطف اعتراضات و جنبش‌ها را می‌توان یافت. به طور مثال خلیل و همکارانش^۶ (۲۰۲۳) در فصلی از کتاب رسانه و فرهنگ در خاورمیانه به مطالعه پژواک‌های عاطفی در فضای آنلاین پرداخته‌اند. مطالعه آنها در ارتباط با انتقادات و اعتراضات پس از لغو انتخابات و تجدید رای‌گیری توسط دادگاه عالی ترکیه در سال ۲۰۱۹ و واکنش مخالفان به انتخاب شهردار جدید است. به اعتقاد نویسندگان فضای سیاسی در اعتراضات ترکیه در ابتدا با احساس خیانت و ناراحتی آغاز شد و در ادامه به جنبشی انجامید که امید و اعتماد به نفس نقش پررنگی داشت. آنها برای این مطالعه توییت‌های با هشتگ #hersecyokguzelolacak را جمع‌آوری و تلاش کردند تا با تحلیل عواطف این مجموعه داده مشخص کنند چطور عواطف به اقدامات عملی منجر می‌شود. آنها در نهایت استدلال می‌کنند رسانه‌های اجتماعی به عنوان بستری برای کنشگری آنلاین و به اشتراک‌گذاری عواطف نقش مهمی داشته و اعتراضات سال ۲۰۱۹ ریشه‌ای طولانی‌تر داشته و پیوندی نزدیک با اتفاقات سال ۲۰۱۳ داشته است. همچنین آسون و همکارانش^۷ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «مدلسازی اثرات میانجی عواطف چنگانه در اعتراضات منطقه‌ای» در تلاش برای استفاده از عواطف برای تبیین مشارکت اعتراضی بودند.

1. <https://www.balatarin.com/permlink/2022/10/10/5878006>

2. <https://www.theatlantic.com/politics/archive/2016/06/have-twitter-bots-infiltrated-the-2016-election/484964/>

3. Reciprocal Emotion

4. Shared Emotion

5. Moral Shock

6. Joe F. Khalil, Gholam Khiabany, Tourya Guaaybess, Bilge Yesil

7. Rodrigo A. Asún, Karina Rdz-Navarro, Claudia Zúñiga & Winnifred Louis

باتوجه به اینکه تحقیقات کمی بر تاثیر مجموعه‌ای محدود از عواطف میان انگیزه‌های غیرعاطفی و مشارکت و صرفاً بر خشم یا تحقیر متمرکز بوده‌اند، اما پژوهش‌های کیفی عواطف چندگانه‌ای را نشان می‌دهند، هدف آنها از این پژوهش توجه به این شکاف با مطالعه نمونه‌ای ۵۰۰ نفری از ساکنان شرکت کننده در اعتراضات شیلی است. نتایج این پژوهش نشان داده اولاً عواطف نه به صورتی جدا از هم بلکه در آرایشی در هم تنیده در مشارکت اعتراضی دیده می‌شود، ثانیاً یک عاطفه یا احساس ممکن است توسط دیگر عواطف در یک برهه زمانی سرکوب شود و یا به تقویت مشارکت اعتراضی منجر شود، ثالثاً عواطف و احساسات مثبت نقش مهمی در حفظ چرخه اعتراضی دارند و رابعاً عواطف مختلف ممکن است انگیزه‌های مستقلی برای مشارکت اعتراضی داشته باشند.

نیکولایینکو^۱ (۲۰۲۲) نیز در پژوهش خود به بررسی نقش عواطف در مشارکت اعتراضی سال ۲۰۲۰ بلاروس پرداخته و نشان می‌دهد مردم در دولت لوکاشنکو به دلیل سرکوب دولت، مستعد دوری از سیاست‌های مناقشه‌برانگیز بودند اما شوک‌های اخلاقی خشم شهروندان را برانگیخت. این حوزه‌ی تحلیلی مختص اعتراضات صرفاً سیاسی و اجتماعی نبوده است. به طور مثال برای و ایمس^۲ (۲۰۲۲) در پژوهش خود به مطالعه عواطف به عنوان محرک‌هایی برای رهبری اعتصابات سال ۲۰۱۹ نیوزلند پرداختند. در این اعتصابات میلیون‌ها نفر در اعتراض به وضعیت آب و هوا و محیط زیست به خیابان آمده بودند، نویسندگان به مصاحبه عمیق با پانزده نفر از رهبران این اعتصابات پرداختند و تلاش کردند زمینه‌های انگیزشی و عاطفی اقدامات آنها را شناسایی کنند. این رهبران یک سری مراحل هیجانی از بی‌تفاوتی تا اقدام عملی را تجربه کردند. تجربیات آنها نشان می‌دهد اضطراب و خشم عواطف مهمی در شروع و پیشبرد سفر عاطفی آنها به سمت مشارکت و اقدام عملی است.

تحلیل عواطف در دیگر فرایندهای اجتماعی مثل انتخابات نیز همواره مورد توجه محققین بوده است. باتارلی و همکارانش^۳ (۲۰۲۲) داده‌های یک نظرسنجی مرتبط با مشارکت‌کنندگان انتخابات سال ۲۰۱۹ بلژیک را مورد مطالعه قرار دادند. آنها در تلاش برای بررسی تاثیر عواطف و قطبیت عاطفی در رفتار سیاسی بوده و برای این هدف از دو بعد نقش عواطف را بررسی نمودند. در بعد اول عواطف را به شکلی عمودی و صرفاً به عنوان احساس مثبت یا منفی به سیاست و در بعد دیگر به شکلی افقی، یعنی عواطف و احساسات افراد نسبت به یکدیگر را بررسی کردند. نویسندگان در ابتدا پس از اینکه نشان دادند قطبیت عاطفی در فضای اعتراضی فقدان احساس نسبت به سیاست را به طور کلی جبران می‌کند، توانستند پنج طبقه عاطفی برای مشارکت‌کنندگان اعم از بی‌تفاوت، عصبانی، امیدوار، معمولی و بسیار هیجانی تشخیص دهند و در قدم بعد نشان دادند که ترکیبی از عواطف خشم و امید رانه‌ای قوی‌تر در پیشبرد اقدامات اعتراضاتی است تا خشم به تنهایی. همچنین به لحاظ فنی مقالات پرشماری در تحلیل احساسات و عواطف با تکیه بر ابزارهای هوش مصنوعی هر ساله تولید می‌شوند (به طور مثال Alnuaim et al. 2022؛ Ortega et al. 2021).

در پژوهش‌های داخلی در زمینه تحلیل احساسات^۴ تحقیقاتی انجام پذیرفته است. به طور مثال ذکایی و ویسی (۱۳۹۹) در کتابی با عنوان «زیست مجازی در ایران، عواطف و خرده فرهنگ‌ها در شبکه‌های اجتماعی» از منظر مطالعات فرهنگی به این حوزه ورود و با اشاره به ریشه اجتماعی عواطف و وابستگی به زمان و مکان احساسات، به تحلیل رویدادها و نسل‌های مختلف پرداخته‌اند. همچنین

1. Olena Nikolayenko

2. Bright, M., & Eames, C.

3. Bettarelli, L., Close, C., & Van Haute, E.

4. Sentiment

فاضلی (۱۳۹۷) در پژوهش خود درصدد صورت‌بندی مسئله احساسات در ایران معاصر بوده و با مطرح کردن مباحث نظری و مفهومی «انگاره فرهنگی»، «ساختار احساسات» و «الگوهای سه‌گانه عواطف»، سه الگوی ساختار احساسات در ایران را از یکدیگر تفکیک کرده است.

همچنین سوادکوهی و زربخش (۱۴۰۱) در مقاله‌ای به مطالعه رابطه سبک زندگی و احساس تنهایی کاربران توییتر با نقش میانجی وابستگی به شبکه‌های اجتماعی پرداختند. نویسندگان با مطالعه یک نمونه ۲۰۰ نفری براساس روش نمونه‌گیری هدفمند و با کمک مباحث احساس تنهایی راسل و همکاران، سبک زندگی میلر و اسمیت، سبک‌های مقابله‌ای لازاروس و فولکن پرسش‌نامه خود را تهیه کرده و با تحلیل داده‌ها نتیجه گرفتند سبک زندگی و سبک‌های مقابله با استرس به طور غیرمستقیم با احساس تنهایی رابطه دارند. علاوه بر این در ارتباط با مطالعه عواطف نیز چند مقاله مثل «بررسی نقادانه نظریه‌های جامعه‌شناسی عواطف جانانان ترنر، تئودور کمپر و ادوارد لاولر» از مقدس و قدرتی (۱۳۹۰) که متمرکز بر مباحث نظری این حوزه بوده و یا پژوهشی در ارتباط با تجربیات احساسی زنان در فضای مجازی از رضوی و همکارانش (۱۳۹۶) با روش کیفی و از طریق مصاحبه عمیق می‌توان اشاره کرد. این مقالات و چند مقاله اخیر دیگر به مطالعه احساس و عواطف به عنوان یک مقوله فرهنگی اجتماعی به طور کلی و یا وجهی از احساسات و عواطف با استفاده از روش‌هایی چون پرسش‌نامه یا مصاحبه پرداخته‌اند.

اما مقالات دیگری نیز وجود دارد که با محاسبات و کلان داده‌ها مرتبط است، به طور مثال بصیری و همکارانش (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به «تحلیل احساسات توییتهای مرتبط با کرونا در ایران با استفاده از شبکه عصبی عمیق» پرداخته و نشان دادند درصد توییتهای دارای احساس منفی به شکل معناداری بیشتر و تغییر آن نیز متناسب با تغییر در آمار بیماران بوده است. پیکری و همکارانش (۱۳۹۴) نیز در مقاله خود با عنوان تحلیل احساسات در شبکه اجتماعی توییتر با تکنیک متن‌کاوی، توییتهای منتشر شده در پنج اتفاق پس از مرگ مرتضی پاشایی (خواننده) را مورد بررسی قرار داده‌اند.

همانطور که از عناوین و توضیحات مقالات داخلی ذکر شده پیداست، خلاء دو مسئله را می‌توان مشاهده کرد. در ابتدا گرچه مقالاتی هم در حوزه‌های تحلیلی و هم در حوزه‌های کاملاً فنی در ارتباط با تحلیل احساسات انجام پذیرفته اما تحلیل عواطف کلان داده‌های اجتماعی در زبان فارسی و رویکرد هوش مصنوعی و علوم اجتماعی محاسباتی به آن کمتر مورد توجه بوده است. همچنین اگرچه مطالعه نقش رسانه، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مجازی در اعتراضات مورد توجه قرار گرفته (خواجه سروی و کمیل، ۱۳۹۸؛ فرقانی و نظری، ۱۴۰۱؛ حسین‌پور و رشیدی، ۱۴۰۰)، اما کمتر پژوهشی به تحلیل احساس و عواطف در قالب این بسترها طی اعتراضات پرداخته است.

پیشینه نظری

در دو دهه پیشین توییت به عنوان مکانی جدی و عمومی در جنبش‌های اجتماعی مؤثر واقع شده است (Kenski, Conway, & Wang, 2015; Parmelee, 2013). جدا از اینکه توییت بستری برای اقدامات جمعی است (Stohl, Flanagin, Bimber, & 2012)، این رسانه اجتماعی سعی دارد تا «شفافیت، حریم خصوصی، امنیت و اعتماد بین فردی» را در میان فعالان ایجاد کند (Bennett & Segerberg, 2012). اگرچه برخی قدرت توییت را در جنبش‌های اعتراضی زیر سوال برده‌اند، برخی دیگر دریافته‌اند که ابزار بسیار مؤثری برای انتشار اطلاعات است (Ogan & Varol, 2017). از آنجا که توییت یک پلتفرم عمومی است، اطلاعات به سرعت در سرایت عواطف و احساسات نقش داشته و به فعالان اجازه می‌دهد تا اقدامات سریعی را انجام دهند که بسیج مردمی را تحریک کنند.

(Zamith, Lewis, Hermida 2014). از این حیث چارچوب مفهومی مورد نظر ما برای درک چگونگی انتقال و سرایت عواطف، مباحث مرتبط با جامعه‌شناسی عواطف با محوریت جاسپر است.

در واقع شبکه‌های اجتماعی از کانال احساسات و عواطف کنش‌های جمعی را سازماندهی می‌کنند و سازمان جنبش‌های اجتماعی، عواطف سودمند را بین اعضای خود پرورش می‌دهند. مشارکت‌کنندگان در جنبش‌ها هم عواطف مشترک^۱ (نسبت به افراد، اشیاء و ایده‌های خارج از گروه) و هم عواطف متقابل^۲ (نسبت به یکدیگر) را ایجاد می‌کنند که باعث گسترش هویت جمعی می‌شوند. از منظر رتوریک، نمایش‌های احساسی با هدف متقاعد کردن مخاطبان مختلف، از جمله خود مشارکت‌کنندگان انجام می‌شود. زمانی که عواطف را بعدی از تعامل بدانیم، هرگونه تضاد شدید بین عواطف جمعی و فردی شروع به از بین رفتن می‌کند. در واقع عواطف افراد فقط در زمینه‌های اجتماعی و فیزیکی معنا دارد. انبوه خلق^۳ و جنبش‌های اعتراضی آزمایشگاهی عالی برای پرداختن به این پرسش‌ها و پویایی‌ها هستند، زیرا مردم به جای اینکه پول دریافت کنند یا مجبور به انجام این کار شوند، داوطلبانه همکاری می‌کنند. این صورت از عواطف را می‌توان در انواع دیگر تعاملات نیز یافت. به ویژه بازیگرانی که گروه‌های معترض با آنها تعامل دارند نظیر پلیس، قانون‌گذاران، رسانه‌ها و غیره (jasper, 2014:342). به زعم نظریه کنترل تاثیر^۴ انسان‌ها زمانی عواطف خود را بروز می‌دهند که رویدادها با انتظارات آنها مطابقت ندارند و این برپایه آگاهی فرهنگی آنان درباره ایفای نقش افراد در تعاملات مختلف است (Heise 2007). ما از طریق فرهنگ مشترک خود، انتظارات مشترکمان از نحوه عملکرد مردم با آنها ارتباط برقرار می‌کنیم (jasper, 2014:343). نظریه کنترل تاثیر پیوند وثیقی با نظریه کنترل هویت^۵ داشته و بر هویت شخص تاکید خاص دارد (Burke, 1991). وقتی حس‌مان از خودمان تایید نمی‌شود یعنی وقتی آنطور که انتظار داریم با ما رفتار نشود، برای بازیابی مجدد هویت اقدام می‌کنیم. با گذشت زمان، در مواجهه با شوک‌های متعدد، مجبوریم در هویت خود تجدیدنظر کنیم، اما معمولاً واکنش فوری ما در چنین موقعیت‌هایی تلاش برای حفظ هویت خود است. به این ترتیب تئوری‌های هویت جمعی با نظریه کنترل هویت پیوند می‌خورند تا عواطف جمع را در پاسخ به شوک‌هایی که به عواطف جمعی ما وارد می‌شود، پیش بینی کنند. شف^۶ (۱۹۹۴) با تکیه بر کولی غرور^۷ و شرم^۸ را به عنوان عواطف اصلی بیان کرده که به تبیین کنش‌های جمعی مانند جنگ کمک کند. به زعم وی شرم و غرور زندگی اجتماعی را همبسته نگه می‌دارد. احساس مشترک عضویت در یک گروه و انتظارات مشترک در مورد نحوه برخورد با آن گروه، می‌تواند عواطف مشابهی را بین اعضای آن گروه ایجاد کند که منجر به کنش جمعی بر مبنای غرور شود (Gould 2009). گاهی تبلیغات سیاسی می‌تواند به جای غیرفعال کردن، سبب برانگیختن انتظاراتی شود که برآوردن آنها در گروه تغییر جهان پیرامون است. رویدادها بسته به انتظارات پیشینی عواطف را

1. Shared Emotion

2. Reciprocal Emotion

3. Crowd

4. Affect Control Theory (ACT)

5. Identity control theory (ICT)

6. Scheff

7. Pride

8. Shame

تحریک می‌کنند. اگر انتظار داشته باشیم که دولت، خوب، قوی و فعال باشد، در صورتیکه نتواند از ما محافظت کند (مثلاً در برابر بلایای طبیعی) یا با مردم بد رفتار کند، شوکه می‌شویم (Jasper, 2014: 343).

کمپر نیز که رویکرد ساختاری به عواطف دارد و احساسات را محصول جایگاه افراد در سلسله مراتب اجتماعی می‌داند، همانند دو تئوری کنترل تاثیر و کنترل هویت بر انتظارات تاکید دارد. به بیان وی سوال «مقصر چه کسی است؟» در کانون عواطف قرار دارد. اگر باور داشته باشیم که به دلیل عمل خود موقعیت خویش را از دست داده‌ایم، شرمنده یا خجالت‌زده می‌شویم، در حالی که اگر شخص دیگری را مقصر بدانیم خشمگین یا عصبانی می‌شویم. اولی عواطف تسکین‌دهنده است و دومی می‌تواند ما را به سمت کنش سوق دهد. این عواطف برای تبیین کنش‌های استراتژیک و سیاسی مفیدند. ما افراد شرور، قربانیان و قهرمانان را به واسطه عناصر فرهنگی موجود می‌سازیم. این لزوماً مستلزم بازآفرینی گروه‌ها به‌عنوان بازیگران متحد است، که دوستان و دشمنان را به گونه‌ای به تصویر می‌کشد که گویی اعضای آن‌ها عواطف جمعی مشترکی دارند (Jasper, 2014: 343).

کالینز (۲۰۰۴) با اثرپذیری از دورکیم و طرح مفهوم انرژی عاطفی تولید شده در مناسک جمعی بین عواطف و کنش جمعی پیوند برقرار می‌کند. به بیان وی «انرژی عاطفی» تولید شده در ارتباطات رو در رو (با تاکید بر کانون توجه مشترک و حرکت هماهنگ آنها) به جریانی تبدیل می‌شود که مردم را با خود می‌برد و در آنها شوق کافی برای انجام کنش سیاسی جمعی ایجاد می‌کند. بنابراین وقتی اکثر اعضای یک گروه به طور همزمان عواطف مشابهی داشته و یا آنها را ابراز می‌کنند، دلیلش ذهن گروهی یا سرایت خودکار نیست بلکه همان انتظارات مشترکی است که ساختارهای اجتماعی و فرایندهای تعاملی بر آنها تأثیر می‌گذارد (Jasper, 2014: 346). به زعم دیدگاه برساخت‌گرایی فرهنگی، مکانیسم‌های عاطفی را می‌توان در فرایندهای شناختی مانند تنظیم چارچوب و هویت جمعی یا در فرایندهای ساختاری مانند شبکه‌ها و فرصت‌های سیاسی یافت. رویکرد فرهنگی بر کارهای رتوریک و عملی تاکید دارد که سازمان‌دهندگان برای ایجاد حساسیت‌ها و هویت‌ها انجام می‌دهند و شوک‌های اخلاقی ایجاد می‌کنند که مشارکت‌کنندگان را جذب کرده و به آنها انرژی دهند. در مجموع دو مکانیسم عمده وجود دارد که به وسیله آن افراد احساسات خود را از طریق تعامل اجتماعی همسو می‌کنند: با واکنش مشابه به تجربیات یکسان و با همذات‌پنداری با گروه‌های گسترده‌تر که این دو مکانیسم در قالب دو گونه از عواطف مشترک و متقابل قابل تحلیل و بررسی‌اند.

عواطف مشترک: جامعه‌شناسی عواطف و جنبش‌های اجتماعی بینش‌های موازی زیادی ایجاد کرده‌اند. چه چیزی احساسات را تحریک می‌کند؟ چگونه آنها را ابراز می‌کنیم؟ در این بین آنچه احساس می‌کنیم به واسطه انتظاراتی تعیین شده که ریشه در زمینه اجتماعی نظیر ساختار اجتماعی، سلسله مراتب، بازنمایی و جامعه‌پذیری فرهنگی دارد. بر این اساس افراد در موقعیت‌های مشابه عواطف یکسانی را تجربه می‌کنند؛ عواطف تاحدی از تعاملات اجتماعی ناشی می‌شوند؛ تأثیر من بر احساسات دیگران ممکن است نیت‌مند یا غیرنیت‌مند باشد؛ نتیجه ممکن است این باشد که دیگران همان چیزی را که من احساس می‌کنم یا برعکس، چیزی متفاوت را احساس کنند. چهار دسته از عواطف را می‌توان با دیگران به اشتراک گذاشت؛ نخست، واکنش به کنش‌های دیگران؛ ترس ناشی از مخالفان، خشم نسبت به تصمیماتی که از آنها منتظریم، اعتماد به سخنان رهبران. دوم، احساسات ناشی از کنش‌های خویش مثل غرور، اعتماد به نفس، امید و نیز احساس شرم و گناه هنگامی که خطایی از ما سر می‌زند. سوم، احساسات ناشی از تعهدات عاطفی و اخلاقی طولانی مدت، مانند حس غرور ناشی از تعلق به گروهی خاص، حس تشویش یا انزجار نسبت به گروه‌های دیگر (Jasper, 2014: 348)

به زعم گولد^۱ (۲۰۰۹) شوک‌های اخلاقی به کسانی وارد می‌شود که از قبل آمادگی دارند یا شاید حتی در جنبشی اجتماعی شرکت کرده‌اند. در چنین شرایطی شوک اخلاقی باعث رادیکال شدن آنها یا قوت تعهدشان می‌شود. شوک‌های اخلاقی قادرند کانون توجه را تغییر دهند یا تلاش‌های موجود را احیا کنند، نه اینکه ضرورتاً ایدئولوژی یا ارزش‌های بنیادین مردم را تغییر دهند. معترضان همچنین به «نیروهای برقرارکننده نظم» که قصد ارباب آنها را داشته باشند، واکنش نشان می‌دهند. یکی از منابع اختلال در جنبش ترس است که یا وحشت ایجاد کرده و یا جنبش را فلج می‌کند، رهبران جنبش باید حس رخوت را به اعتماد به نفس تبدیل کنند. گودوین و پیفا^۲ (۲۰۰۱) «مکانیسم‌های تشویقی» را کشف کردند که سازمان‌دهندگان برای کاهش یا مدیریت ترس در جنبش‌های حقوق مدنی ایالات متحده و آلمان شرقی استفاده کردند؛ حمایت و پیوندهای اجتماعی صمیمی، برگزاری جلسات عاطفی توده‌ها، همذات‌پنداری با جنبش، ایمان به پیروزی نهایی، شرمساری، آموزش رسمی نافرمانی مدنی و پوشش رسانه‌های جمعی. علاوه بر این، آنها دو مکانیسم دیگر نیز در جنبش ایالات متحده یافتند: داشتن سلاح گرم و ایمان به حفاظت الهی (Jasper, 2014: 349).

عواطف متقابل: در پس‌زمینه تعاملاتمان، ما نسبت به دیگران به ویژه آنهایی که در حال حاضر با آنها در تعامل هستیم، تعهدات عاطفی داریم. نوع دوم عواطف، «عواطف متقابل» هستند که مربوط به حس تعلق درون گروهی است (Jasper, 1998). این عواطف شامل عواطف بین اعضای یک گروه خاص است، مانند دو شرکت‌کننده که عاشق یکدیگر می‌شوند یا گروه کوچکی که تعلق آنها به یکدیگر است تا کل جنبش. به بیان جاسپر این مخمصه جوخه برادران^۳ است. رهبران جنبش خواهان تشویق وفاداری‌های عاطفی‌اند، اما همواره این خطر وجود دارد که به جای اتصال به سازمان یا کل جنبش به خرده‌گروه‌های کوچک متصل شوند (Jasper, 2004:13). بر این اساس عواطف متقابل، الگوهای اعتماد و جذابیت را تشکیل می‌دهند که می‌تواند فعالیت اعتراضی را کانالیزه کند. یک فرد نه از طریق ایده‌های جنبش بلکه به واسطه پیوندهای عاطفی و جذابیت‌های سایر افراد در یک جنبش جذب می‌شود. در صورتی که ارتباط احساسی با دیگران به طور مستمر به مشارکت‌کنندگان انگیزه دهد، آنان یقیناً ارتباط مذکور را حفظ خواهند کرد. حس تعلق، نیاز بنیادین انسانی بوده که عواطفی نظیر عشق (Berezin, 1997)، غرور (Scheff, 1994)، هیجانات عاطفی (Collins, 2004) و گاهی افسوس و نفرت از گروه غیر خودی را شامل می‌شود (Le Cour Grandmaison, 2002). نقل از (jasper, 2014).

بر این اساس عواطف متقابل چسب نگه‌دارنده گروه هستند که با از بین رفتن آنها، جنبش افت می‌کند. عدم وجود عواطفی نظیر غرور، اعتماد به نفس و شوق باعث می‌شود افراد مشارکت نکنند. جنبش‌های در حال افول در درون تمایل دارند به سمت جوخه برادران بچرخند (jasper, 2014:352). سرنوشت یک جنبش، افت آن یا زیست طولانی مدتش به میزان وفاداری حامیان بستگی دارد. کلاندرمانز حامیان یک جنبش را به سه گروه باقی‌ماندگان^۴، انشعاییون^۵ و آخرخطی‌ها^۶ تقسیم کرده است. باقیماندگان کسانی

1. Gould

2. Goodwin & Pfaffa

3. Band of Brothers Dillema

4. Persister

5. Shifter

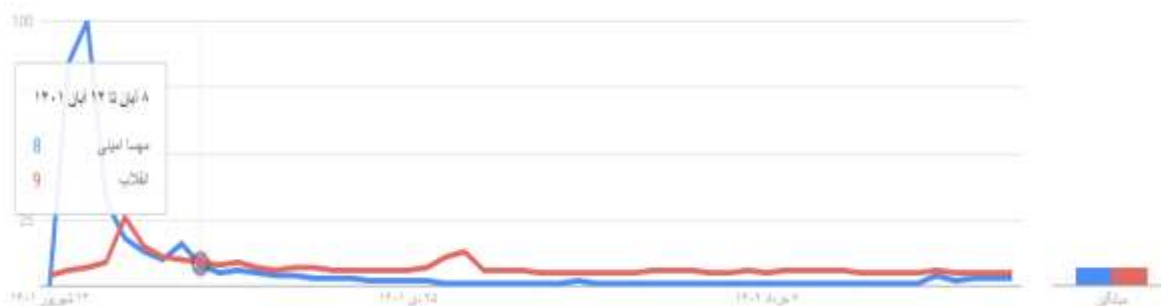
6. Terminators

در این مقطع از جنبش همبستگی بین اعضا و وفاداری‌های عاطفی بین آنها بیشتر می‌شود تا وفاداری به سازمان جنبش

هستند که به‌عنوان اقلیت‌های مؤمن به آینده باقی می‌مانند تا ساختار متروک جنبش را حفظ کنند. انشعاب‌یون کسانی هستند که پس از افول اعتراض، در جنبش دیگری حضور پیدا می‌کنند. آخرخطی‌ها، اما کسانی هستند که فعالیت سیاسی را به هر شکل کنار می‌گذارند. در مقایسه با آخرخطی‌ها، انشعاب‌یون کسانی هستند که پیش از ورود به جنبشی خاص، در جنبش‌های مختلف فعالیت کرده‌اند و سابقه آن‌ها در اعتراضات مبارزه‌جویانه، مثل تحصن و بستن راه، بیشتر بوده است. آخرخطی‌ها کمتر وقت گذاشته و کمتر هویت خود را از جنبش گرفته‌اند (کلاندرمانز، ۱۳۹۵: ۱۰۶). بر این اساس به میزانی که حامیان جنبش از گروه باقی‌ماندگان باشند، جنبش زیست طولانی‌تری را تجربه خواهد کرد و در صورتیکه حامیان از خیل انشعاب‌یون و آخر خطی‌ها باشند، وفاداری آنها به جنبش کمتر خواهد بود و جنبش رو به خاموشی خواهد رفت.

روشناسی پژوهش

مطالعه رسانه‌های اجتماعی در حجمی وسیع مستلزم بررسی کلان‌داده‌هایی با مقیاس صدها هزار یا میلیون‌ها داده است که روش‌های سنتی در علوم اجتماعی توانایی پردازش و تحلیل این مقدار از داده را ندارد، از این رو در مقاله حاضر با استفاده از متدولوژی علوم اجتماعی محاسباتی تحلیل خود را پیش می‌بریم. مجموعه داده ما در این پژوهش از تاریخ ۱۵ شهریور ۱۴۰۱ تا ۱۵ آبان ماه ۱۴۰۱^۱ (از درگذشت مهسا امینی تا ترند شدن کلمه «انقلاب» در کنار هشتگ «مهسا امینی» در توییت) و در واقع دو ماه ابتدایی اعتراضات گسترده در ایران، از بستر توییت جمع‌آوری شده است. همچنین در نمودار (۱) که جست‌وجوی گوگل را نشان می‌دهد، مشخص است در همین تاریخ سرچ کلمه «انقلاب» از «مهسا امینی» پیشی گرفته است.



نمودار (۱) روند جست‌وجوی عبارات در گوگل

۱. بلومر (۱۹۶۹) چرخه حیات جنبش‌های اجتماعی را چهار مرحله می‌داند. مرحله اول ظهور است، افراد به دلایل مختلف با کنار هم قرار گرفتن و نشان دادن اشکالی از اعتراض ظهور یک جنبش را رقم می‌زنند. مرحله دوم ادغام است که بنابر آن استراتژی‌هایی برای استفاده حداکثری از رسانه‌های خبری و متقاعد کردن سایرین شکل می‌گیرد. مرحله سوم، نهادینه‌سازی و بروکراتیزه شدن و در نهایت مرحله چهارم، افول جنبش است. لازم به ذکر است که در این مقاله بناست که دوره شروع جنبش اعتراضی سال ۱۴۰۱ در ایران بررسی شود. از این منظر از تاریخ ۲۶ شهریور و پس از مرگ مهسا امینی تا زمانی که اولین بار در آذهان جمعی از واژه «انقلاب» استفاده شد را بررسی کرده‌ایم. مرحله اول با تجمع برخی افراد روبروی بیمارستان کسری در تهران و به دنبال آن شلوغی در شهرهای دیگر و توجه به فضای مجازی و استفاده بی‌شمار از هشتگ‌ها شکل گرفت. مرحله دوم را می‌توان توجه‌های حداکثری رسانه‌ها و کاربرد واژه «انقلاب» توسط معترضین دانست که تاریخ ۱۵ آبان ماه ۱۴۰۱ برای نخستین بار هشتگ «انقلاب» در کنار هشتگ «مهسا امینی» ترند شد.

در مجموع ۲۵۶ میلیون توییت ۱۱ میلیون آن توییت اصلی، ۲۰۲ میلیون ریتوییت، ۳۸ میلیون پاسخ توییت‌های اصلی و ۴ میلیون کوت بوده است. این مجموعه داده توسط ۷۲۳۱۵۱ کاربر تولید شده و مجموعاً بیش از ۵۴۰ میلیون لایک گرفته‌اند. به همین منظور پس از اینکه صد هزار توییت توسط دو روان‌شناس تگ‌گذاری شدند و توسط یک جامعه‌شناس داوری شدند، با الگوریتم «درخت تصمیم» در یادگیری ماشین دیگر توییت‌ها برچسب خوردند. هشت عاطفه اصلی مبتنی بر چارچوب مفهومی، شناسایی و احصاء شدند. چهار مورد ذیل عواطف مشترک بوده و نسبت به مسائلی بیرون از اعضای شرکت‌کننده در جنبش شامل:

- **خشم**^۱، حالت عاطفی شدید در میان کنشگران در واکنش به یک رخداد اجتماعی ناراحت‌کننده است. غلبه بر ترس و اضطراب به واسطه خشم تحقق می‌یابد (کاستلز، ۱۳۹۳؛ Scheff, 1994).
- **ترس**^۲، احساس ناخوشایند از اتفاقات اجتماعی و دریافت احساس خطر یا تهدید از وقایع اجتماعی است. به زعم بنسکی^۳ (۲۰۱۱) ترس احساسی است که معترضان باید پیش از ورود به گروه بر آن غلبه کنند و به بیان باربالت^۴ (۱۹۹۸) ترس نشان می‌دهد که منافع آتی بازیگر در خطر است.
- **نفرت**^۵، احساس انزجار نسبت به اتفاقاتی که ناخوشایند تلقی شده و منجر به ظهور خشم می‌شود. نفرت می‌تواند باعث خط‌کشی میان اعضای گروه و افراد حاکم و مخاطب اعتراض باشد. اغلب معترضین این احساس را در جنبش با نوعی «نفرت اخلاقی»^۶ پیش می‌برند (Goodwin et al., 2001).
- **غم**^۷، احساس ناراحتی و اندوه از اتفاقات اجتماعی است. بسیاری غم را انگیزه شرکت در اعتراضات می‌دانند (Beyerlein an Sikking 2008). غم نه مانند ترس رفتار فرار و نه مثل خشم رفتار تهاجمی را در پی دارد، بلکه حالتی منفعلانه ناشی از رکود را به همراه دارد (Wiest and Swartz, Roseman, 1994). و چهار صورت از عواطف متقابل به شرح ذیل مطرح شدند:
- **شوق**^۸، هنگامی که افراد با اشتیاق به سوی هدفی که آن را گرمی می‌دارند، حرکت می‌کنند. شوق وجه پیش‌ران و پیش‌بین امید است (کاستلز، ۱۳۹۳). همچنین شوق دلالت بر تحقق زود هنگام اهداف دارد و نسبت به امید کوتاه‌مدت‌تر است. بنابراین ممکن است زودتر به ناامیدی نیز بینجامد (Thoits, 1985).
- **امید**^۱، هیجانی مثبت و مرتبط با شوق که رفتار را به سمت آینده معطوف می‌کند (کاستلز، ۱۳۹۳). برخی نیز انتظار امیدوارانه را بزرگترین انگیزه برای اقدام می‌دانند (Gupta, 2009). ویلیامسون^۲ (۲۰۱۱) در پژوهش خود نشان داده افزایش امید، شانس بازگشت افراد به اقدامات جنبش را افزایش می‌دهد. امید بر خلاف شوق ناظر به آینده دور است و اهداف بلندمدتی را به همراه دارد.

1. anger

2. fear

3. Benski

4. Barbalet

5. disgust

6. moral disgust

7. sadness

8. enthusiasm

- همدلی^۳، در فرایند ارتباطی گروه از طریق اشتراک تجارب افراد، فوران هیجانات را برمی‌انگیزد (کاستلز، ۲۰۱۳:۱۳۹۳). همچنانکه بیرلین و سیکینک^۴ (۲۰۰۸) اشاره دارند رویدادهای اعتراضی حس همدلی و همذات‌پنداری معترضین را تقویت کرده و شرکت‌کنندگان را در معرض فرصت‌های داوطلب‌شدن قرار می‌دهند.
- شادی^۵، دلالت بر احساس لذت^۶ و غرور^۷ (ایجاد یک پیوند امن میان شرکت‌کنندگان) از فعالیت‌ها و هویت مشترک گروه دارد (Scheff, 1990) همچنان که وود^۸ (۲۰۰۱) استدلال می‌کند که موقعیت‌های اعتراضی فضاهایی منحصر به فرد جهت تجربه هیجانات فراهم می‌کنند و به زعم جاسپر شادی با هیجان عاطفی مدنظر کالینز ارتباط دارد. (Jasper 2011)

اعتبار و پایایی

سیستم‌های تطبیقی پیچیده (CAS)^۹ یک رویکرد مدل‌سازی بین رشته‌ای و پویا برای مطالعه چالش‌های امروز است و برای توضیح، توصیف و پیش‌بینی رفتار اجزای سیستم استفاده می‌شود. برای درک و ارزیابی کیفیت تحقیقاتی که در آن مدل‌های اینچینی طراحی و استفاده می‌شوند، به درک کامل معانی «اعتبار» و «روایی» از روش‌شناسی تحقیقات علوم اجتماعی و «اعتبارسنجی» از مدل‌سازی‌های رویکرد شبیه‌سازی نیاز است.

در این مطالعات چند مرحله معمولاً در فرآیند مدل‌سازی متمایز شده که از طریق آن اعتبار سنجیده می‌شود: سه مرحله اول از واقعیت به مدل مفهومی (مرحله مفهومی)، از مدل مفهومی به کد (مرحله برنامه‌نویسی) و از کد به مدل مفهومی بازمی‌گردند. (Augusiak et al. 2014). در این پژوهش ما تلاش کردیم تا پس از مفهوم‌سازی مرحله اول را پشت‌سر گذاشته و با برچسب مفاهیم به متون این مدل را برای ماشین قابل یادگیری کنیم، سپس مرحله برنامه‌نویسی انجام شده و نتیجه را از ماشین دریافت کردیم. پایایی نیز در مطالعات میان‌رشته‌ای پس از مفهوم‌سازی و تبدیل آن به «کد»، دقت کد را شامل می‌شود (Blanke & Venturini 2022). در این تحقیق به منظور ارزیابی از دقت ماشین، ۷۵ درصد از داده‌ها به عنوان داده آموزشی و ۲۵ درصد به عنوان داده آزمایش دسته‌بندی شدند که نتایج زیر حاصل شدند:

دقت (Accuracy) ۸۰٪ به دست آمد که به طور کلی نشان می‌دهد مدل تا چه اندازه خروجی را درست پیش‌بینی می‌کند، صحت (Precision) ۸۰٪ به دست آمد که نشان می‌دهد وقتی که مدل نتیجه را مثبت پیش‌بینی می‌کند، این نتیجه تا چه اندازه درست است؟ همچنین معیار F1 که معیاری مناسب برای اندازه‌گیری دقت آزمایش بوده و معیارهای Precision و Recall را با هم در نظر می‌گیرد، ۸۹٪ به دست آمده است. دقت و پایایی قابل توجه در خروجی نشان از اعتبار بالای مراحل پیاده‌سازی نیز دارد.

1. hope

2. Williamson

3. trust

4. Beyerlein and Sikkink

5. joy

6. pleasure

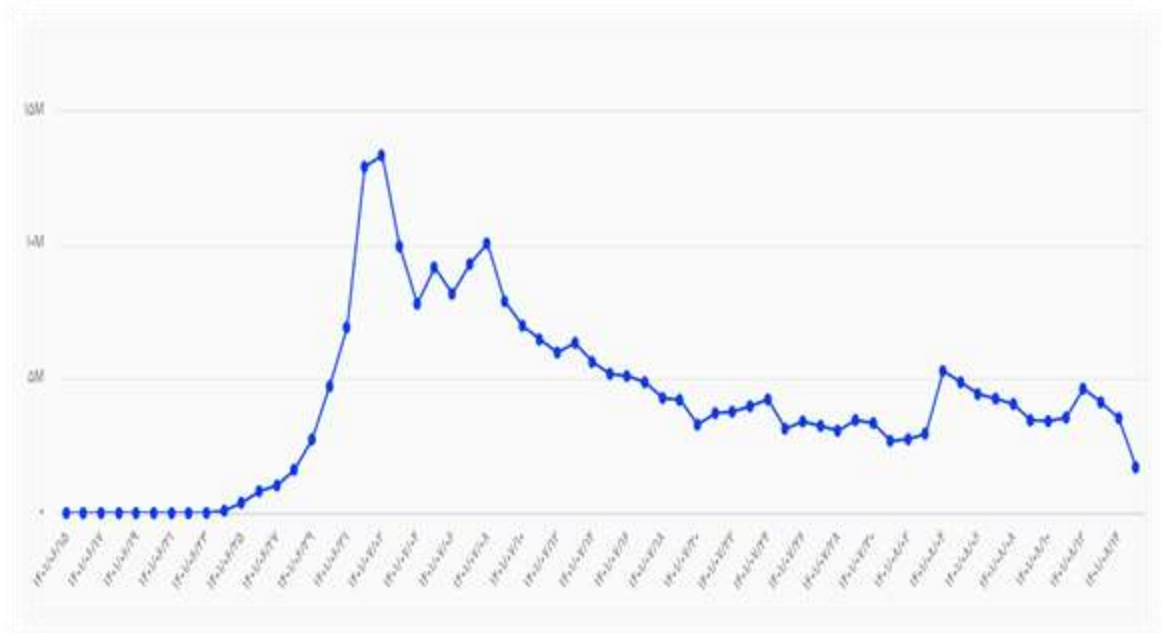
7. pride

8. Wood

9. Complex Adaptive Systems

یافته‌های پژوهش

پیش از آنکه به سراغ تحلیل عواطف برویم نگاهی به روند انتشار محتوا در بازه زمانی مورد بررسی داشته باشیم:

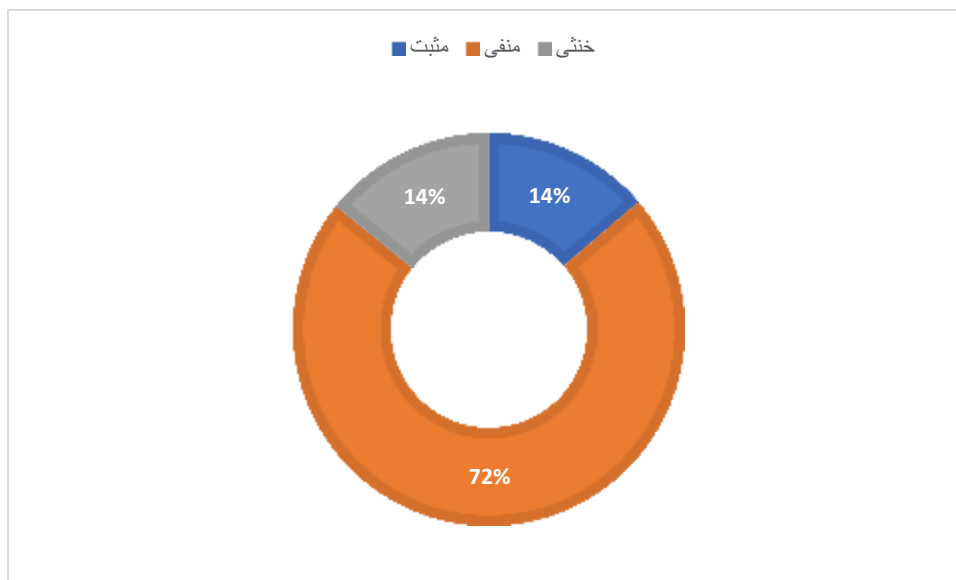


نمودار (۲) روند انتشار محتوا

نمودار بالا استفاده از هشتگ «مهسا امینی» را از ابتدای اعتراضات تا ۱۵ آبان ماه ۱۴۰۱ نشان می‌دهد. در واپسین روزهای شهریور رکورد محتوا تا میزانی نزدیک به ۱۴ میلیون در روز نیز رسید، اما از آنجایی که اینترنت در ایران از روز ۳۰ شهریور با اختلال مواجه بود، پس از یک نقطه اوج میزان انتشار محتوا کاهش قابل توجهی داشته است، اما پس از این تاریخ نقاط اوج نمودار که کمتر از مقدار اولیه هستند نیز قابل توجه است. رویکرد کلی مجموع محتوا که صرفاً به مثبت و منفی بودن احساسات (sentiment) ۱ می‌پردازد مطابق با نظر لاولر^۲ (۱۹۹۹) که عواطف را به عنوان حالات ارزیابی مختصر، مثبت و یا منفی ارزیابی می‌کند، مطابق با شکل زیر است:

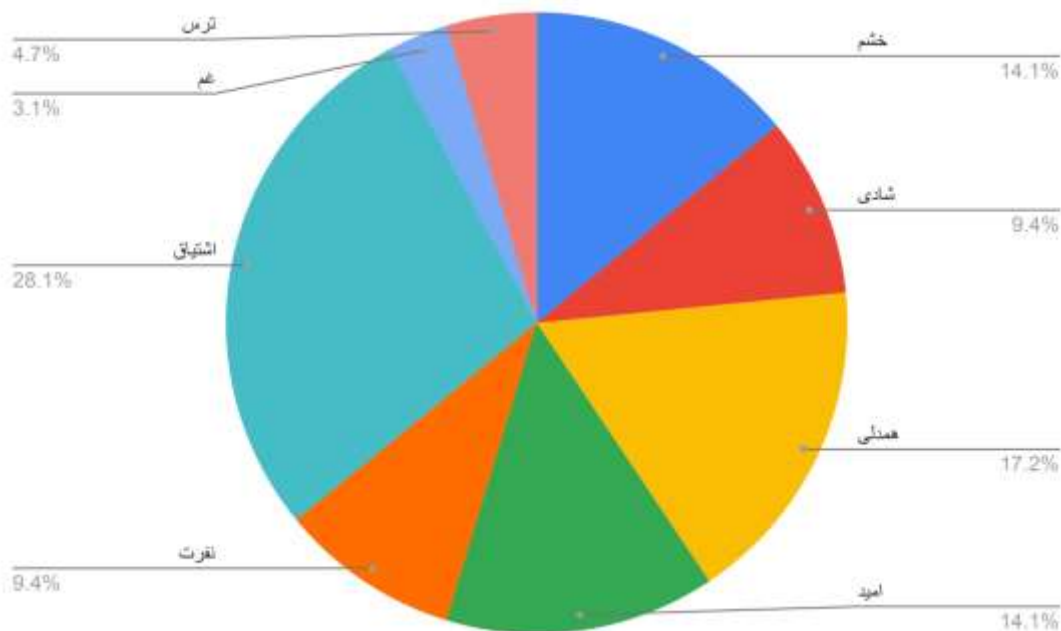
۱. Sentiment در ادبیات نظری این حوزه صرفاً در سه دسته مثبت، منفی و خنثی تعریف می‌شود که ماشین آن را با نمره یک (۱) برای احساس و رویکرد مثبت، نمره منفی یک (-۱) برای احساس و رویکرد منفی و نمره صفر (۰) برای متنی که حاوی احساسی خاص نباشد را مشخص می‌کند.

2. Lawler



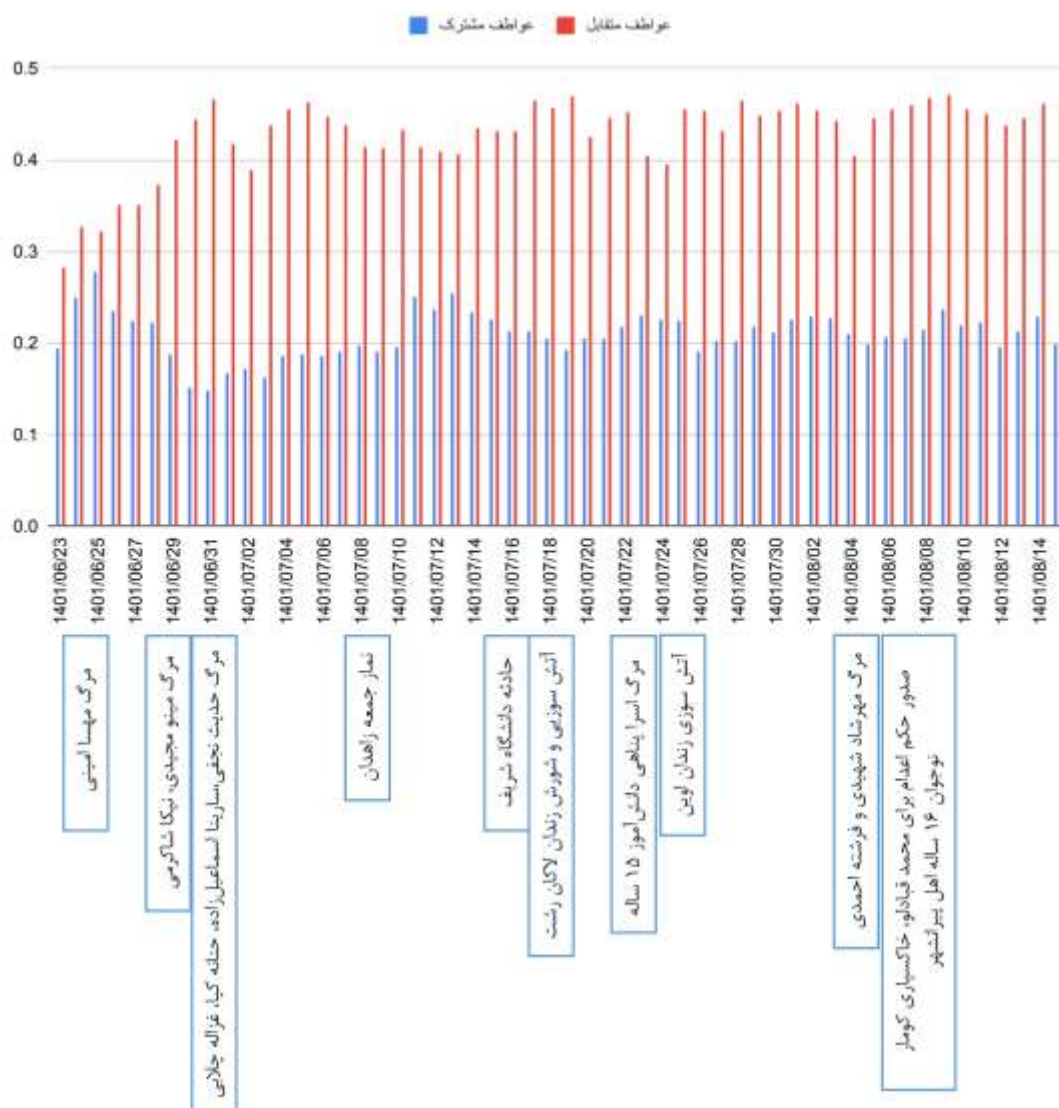
نمودار (۳) رویکرد کلی محتوا

شکل بالا نشان می‌دهد همانطور که شاید انتظار برود بیش از هفتاد درصد از محتوای منتشر شده رویکرد و احساسی منفی به همراه داشته است. اما روند تغییرات عواطف هشت‌گانه مذکور در این مدت مطابق با شکل زیر است که نمودار دایره‌ای، مجموع عواطف را در بازه زمانی مورد مطالعه نشان می‌دهد:



نمودار (۴) عواطف ابراز شده در مقطع شروع اعتراضات (۲۵ شهریور تا ۱۵ آبان)

نمودار ذیل عواطف متقابل و مشترک را در نسبت با یکدیگر و در زمان وقوع شوک‌های اخلاقی به تصویر می‌کشد. همانطور که مشاهده می‌شود در ابتدا گرچه عواطف متقابل و مشترک فاصله‌ای نزدیک به هم داشته‌اند اما با گذشت زمان عواطف متقابل شدت بیشتری گرفته‌اند. برای بررسی دقیق‌تر، مطابق با نمودار روند انتشار محتوا نقاطی که شوک‌های اخلاقی اتفاق افتاده‌اند مطابق با شکل زیر مشخص شده تا عواطف در آن روزهای به خصوص تحلیل شوند.



نمودار(۵) نسبت شوک‌های اخلاقی با عواطف مشترک و متقابل

عواطف متقابل				عواطف مشترک				شوک‌های اخلاقی
شادی	همدلی	شوق	امید	غم	خشم	نفرت	ترس	
۰,۰۴	۰,۰۹	۰,۱۵	۰,۰۶	۰,۰۴	۰,۰۹	۰,۰۹	۰,۰۳	۲۵ شهریور (مرگ مهسا امینی)
۰,۰۶	۰,۰۸	۰,۲۴	۰,۰۷	۰,۰۲	۰,۰۶	۰,۰۴	۰,۰۳	۲۹ تا ۳۱ شهریور (درگذشت چند نفر اعم از نیکا شاکرمی، سارینا اسماعیل‌زاده، مینو مجیدی و ...)
۰,۰۶	۰,۱	۰,۱۶	۰,۰۹	۰,۰۲	۰,۰۸	۰,۰۶	۰,۰۴	۸ مهر (نماز جمعه زاهدان)
۰,۰۶	۰,۱۱	۰,۱۸	۰,۰۸	۰,۰۲	۰,۱	۰,۰۶	۰,۰۴	۱۰ مهر (حادثه دانشگاه شریف)
۰,۰۶	۰,۱۳	۰,۱۸	۰,۰۹	۰,۰۲	۰,۱	۰,۰۶	۰,۰۳	۱۷ مهر (آتش‌سوزی و شورش زندان لاکان رشت)
۰,۰۶	۰,۱۳	۰,۱۶	۰,۰۸	۰,۰۲	۰,۱۱	۰,۰۷	۰,۰۳	۲۰ مهر (مرگ اسرا پناهی)
۰,۰۵	۰,۱	۰,۱۶	۰,۰۹	۰,۰۱	۰,۱	۰,۰۷	۰,۰۴	۲۳ مهر (آتش‌سوزی زندان اوین)
۰,۰۶	۰,۱۳	۰,۱۶	۰,۱	۰,۰۲	۰,۰۹	۰,۰۶	۰,۰۳	۵ آبان (مرگ مهرشاد شهیدی و فرشته احمدی)
۰,۰۶	۰,۱۳	۰,۱۹	۰,۱	۰,۰۲	۰,۰۹	۰,۰۶	۰,۰۵	۸ آبان (صدور حکم اعدام محمد قبادلو، مرگ کومار نوجوان ۱۶ ساله)

جدول (۱) پیوند شوک‌های اخلاقی با عواطف مشترک و متقابل

در جدول فوق مشاهده می‌گردد که در دوره شروع اعتراضات نفرت و خشم بر ترس و غم غلبه کرده است. حس نفرت در سه مقطع ۲۵ شهریور (مرگ مهسا امینی)، ۲۰ مهر (مرگ اسرا پناهی) و ۲۳ مهر (آتش‌سوزی زندان اوین) بیش از مقاطع دیگر در نقطه اوج قرار دارد و مشاهده می‌گردد که در فاصله حدود یکماه از درگذشت مهسا امینی، مرگ اسرا پناهی حس نفرت را مجدداً شعله‌ور می‌سازد. چون در اذهان معترضین رویداد دوم به نوعی یادآور شوک اول بوده و همچنین این فرد دانش‌آموزی بوده که در میدان مبارزه نه به شکل کالبدی و نه سایبری آن حضور نداشته است. این امر با اوج‌گیری حس خشم تقویت شده و ملاحظه می‌گردد که در بین شوک‌های اخلاقی مرگ مهسا امینی و اسرا پناهی بیشترین حس خشم را ایجاد کردند و بعد از آنها به ترتیب رخدادهای ۵ و ۸ آبان بیشترین میزان خشم را برانگیختند. علاوه بر این مشاهده می‌شود که در بین شوک‌های اخلاقی آنهایی که معطوف به فرد خاصی هستند و رویداد موردنظر با نام یک یا دو فرد عجین است، مجموعاً خشم، نفرت و غم کمتری را در مقایسه با شوک‌های اخلاقی که هویت جمعی دارند؛ مثل ۱۰ مهر (حادثه دانشگاه شریف) ۱۷ مهر (آتش‌سوزی و شورش زندان لاکان رشت) ۲۳ مهر (آتش‌سوزی زندان اوین) برانگیخته‌اند. در این رویدادها شوک اخلاقی معطوف به فرد خاصی نیست و دانشجویان و زندانیان به طور کلی هدف هستند. در مقابل رویدادهایی که شخصی خاص در آن محوریت داشته‌اند، عواطف متقابل اعم از همدلی و امید و اشتیاق را تقویت کرده‌اند.

همانطور که پیشتر اشاره شد، داده‌های جدول فوق مبین چیرگی حس نفرت و خشم بر ترس است و به همین خاطر است که معترضین در عرصه خیابان حضور یافتند. خیزش خشم وابسته به شوک اخلاقی است اما سمت و سو و جهت دادن به آن توسط کنشگران رسانه‌ای و غیررسانه‌ای تحقق می‌یابد. در چنین شرایطی کنشگران سخت کار می‌کنند تا خشم اخلاقی را ایجاد کنند و اهدافی^۱ را معرفی می‌کنند که خشم علیه آنها تخلیه شود. هر شوک اخلاقی که صورت می‌گیرد فرایند چارچوب‌سازی^۲ پیرامون آن انجام شده و بنیان و مقصران احتمالی شناخته و (چارچوب تشخیصی^۳) راه‌های برون‌رفت از شرایط نیز ارائه می‌گردند (چارچوب

1. Target
2. Framing
3. Diagnostic frame

تجویزی^۱) و حتی با استعانت از ارزش‌های خدشه‌دار شده یا با اتکاء به حافظه جمعی چارچوب انگیزشی^۲ تقویت می‌شود. هرچند نقش فعالان در فرایند چارچوب‌سازی و هدایت عواطف معترضین برجسته است، اما این به معنای انفعال معترضین نیست. واکنش‌های متنوع و متکثر آنها به محتوای تهییج‌انگیز رسانه‌ها بر این امر دلالت دارد. فراخوان رسانه‌ای مبنی بر حضور در خیابان‌ها داده می‌شود، اما چند درصد حضور خیابانی پیدا می‌کنند؟ چه میزان کنشگری مجازی دارند و با توییت کردن، پست گذاشتن و استوری کردن در شبکه‌های اجتماعی اعتراض خود را نشان می‌دهند؟ اتخاذ تاکتیک‌های متنوع در واکنش به فراخوان‌های رسانه‌ای از سوی معترضین تابع میزان اهمیت شرایط اعتراضی برای آنان است. معترضین تا چه میزان مومنان واقعی^۳ به اعتراض یا پرسیستر^۴ هستند و تا پای جان ایستاده‌اند؟ نزاع بین گزینش عقلانی و رانش عاطفی، چالشی است که در جریان یک اعتراض رخ می‌دهد. ترس مهم‌ترین عاطفه‌ای است که آن را می‌توان با عقلانیت ملازم دانست. ترس از دست‌دادن داشته‌ها (جان، خانواده، شغل، درآمد، امنیت روانی و...) بنابراین کنشگران عقلانی در اتخاذ تاکتیک‌ها هزینه-فایده می‌کنند. حب خویشتن، موقعیت اجتماعی و خانوادگی و امنیت روانی خویش را لحاظ می‌نمایند و غالباً ترجیح می‌دهند اعتراض خود را به شیوه مجازی (توییت کردن، هشتگ گذاشتن، استوری و پست گذاشتن و...) نشان دهند که به تناسب میزان ترس این هویت معلوم یا نامعلوم است. همچنان که در هشتم آبان همزمان با صدور حکم اعدام برای برخی معترضین، شاهد افزایش عاطفه ترس نیز هستیم. گروه دیگر که ترس بر آنان غالب است، راهبرد سکوت محض را در پیش می‌گیرند. برخی دیگر کنشگر عقلانی‌اند اما با آگاهی به اینکه فایده اعتراض بر هزینه آن می‌چربد، وارد عرصه کنشگری در فضای مجازی و کالبدی می‌شوند. تفاسیر مختلفی از فایده ارائه می‌گردد؛ مانند رخدادهایی مبتنی بر تحول اجتماعی وسیع برای بهتر شدن شرایط جامعه، کسب شهرت اجتماعی، پل ساختن برای عبور از مرزهای جغرافیایی و مهاجرت. اما طیفی دیگر که عمدتاً جوانان و نوجوانان هستند به اقتضاء سن، شرایط اجتماعی و برخورداری از داشته‌های کمتر (شغل، مسئولیت خانوادگی و...) رانش عاطفی در آنان پررنگ‌تر است. کاستلز نیز در بررسی جنبش‌های اعتراضی نقش پررنگ جوانان را نشان داده است (کاستلز، ۱۳۹۳). غلبه وجه ناخودآگاه بر خودآگاه و چیرگی شور و شوق بر ترس موجب می‌شود که پنداشت آنها از مخاطرات احتمالی دقیق و واقع‌بینانه نباشد و در نهایت منجر به پرداخت هزینه گزاف زندان، جان و... باشد. به همین خاطر است که نه تنها در اعتراضات ایران بلکه در اکثریت جنبش‌ها و انقلاب‌ها، جوانان و نوجوانان قربانیان اصلی هستند.

اعتراض‌ها تلفیقی از عواطف مشترک و عواطف متقابل هستند که نوع اول معطوف به بیرون و عمدتاً حامل عواطف منفی و نمایانگر احساس معترضین به گروه‌های غیر خودی، نظام سیاسی و قوه قهریه است که تحلیل و تفسیر آن بر مبنای جدول فوق صورت گرفت. نوع دوم عواطف متقابل است که معطوف به درون و مبین احساس معترضین نسبت به گروه‌های خودی است که حاوی عواطف مثبت است. این دو صورت از عواطف مکمل یکدیگرند. احساس خشم و نفرت نسبت به بیرون زمینه‌ساز حس همبستگی درونی است. همانطور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، در برخی از رویدادها که معترضین خشمگین‌تر بوده‌اند، میزان همدلی آنها بیشتر بوده است. به عنوان نمونه ۲۰ مهر (مرگ اسرا پناهی) ۵ آبان (مرگ مهرشاد شهیدی و فرشته احمدی) ۸ آبان (صدور حکم اعدام محمد قبادلو، مرگ کومار نوجوان ۱۶ ساله). همچنین برپایه جدول فوق در بین عواطف متقابل، شوق که مبین

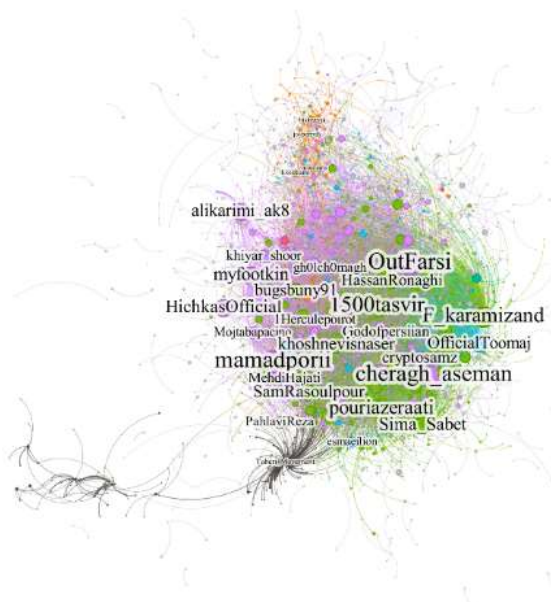
1. Prognostic frame
2. Motivational frame

۳. مفهوم مومن واقعی برگرفته از کتاب مرید راستین هافر (۱۴۰۱) است که این ویژگی را برای حواریون رهبران کاریزما در جنبش توده‌ای بکار می‌برد.

4. persister

تحقق سریع و کوتاه‌مدت افراد و پیروزی در آینده نزدیک است احساس غالب در بین معترضین بوده که به فاصله چند روز پس از مرگ مهسا امینی در فاصله ۲۹ شهریور تا ۳۱ شهریور به اوج خود می‌رسد. فراز این عاطفه در اندک زمانی پس از درگذشت مهسا امینی معرف تلاطم‌پذیری و شکنندگی زود هنگام آن است، چراکه پس از این تاریخ این شوق کاهش یافته و با یک ریتم تقریباً مشابهی در سایر شوک‌های اخلاقی خودنمایی می‌کند. آنچه نقش کنشگران شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها را در این میان پررنگ می‌سازد، دمیدن در آتش شور و شوق و اشتیاق معترضین است. تداعی این احساس که تغییری بنیادین در آینده نزدیک در راه است، در چنین شرایطی، انواع ابزارهای رتوریک برای اقناع معترضین و تقویت حس شوق به کار گرفته می‌شود و قدرت رتوریک هنر و ادبیات در فضای چندرسانه‌ای دو چندان می‌شود. موسیقی‌هایی که تولید می‌شوند و نواهای اعتراضی را می‌سازند، نقاشی‌ها، کاریکاتورها، گرافیتی‌ها و شعارها با محتوای انگیزشی، معترضین را قانع می‌کنند که در صورت تداوم مبارزه، در کوتاه‌مدت آینده‌ای روشن در انتظار است. با شعله‌ور ماندن آتش شوق در دل معترضین، آنان هزینه‌ها را به جان خواهند خرید، چون نوید آینده روشن در ساحت ذهن آنان جا خوش کرده است. در جدول (۱) مشاهده می‌شود با وجود آنکه در میان عواطف متقابل «شوق» می‌تازد اما امید که بر آینده‌ای بلندمدت‌تر دلالت دارد، ریتم آرام‌تری داشته و با رویداد ۸ آبان (مرگ مهرشاد شهیدی و فرشته احمدی) ناگهان فرو می‌ریزد، یعنی ناامیدی از آینده‌ای روشن در بلندمدت که آسیب‌های اجتماعی مختلفی را می‌تواند به دنبال داشته باشد. در این برهه احساس شادی در بین معترضین که مبین حس لذت از بودن در جمع، هویت‌یابی موقت و حس اثربخشی است، نوسان قابل‌ملاحظه‌ای ندارد.

پس از بررسی نقاط عطف در نمودار انتشار محتوا، شبکه باز نشر نیم میلیون توییت از مجموعه توییت‌ها نیز مطابق با شکل زیر است:



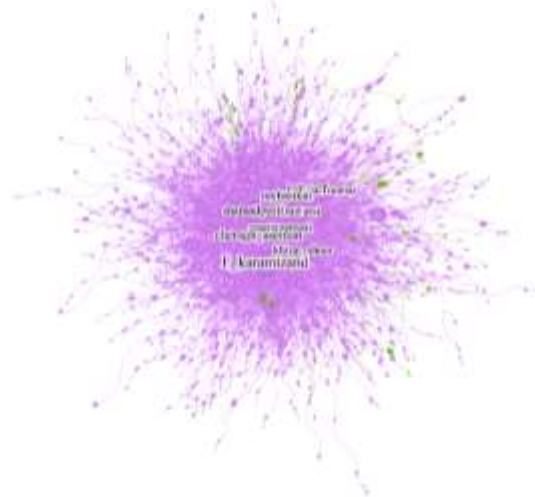
نمودار (۷) شبکه باز نشر توییت‌ها

در این گراف بیشترین مرکزیت متعلق به OutFarsi است. در رتبه‌های بعدی به ترتیب mamadporii و cheragh_aseman و 1500tasvir و F_karamizand و pouriazeraati قرار دارند. اغلب کاربران گراف را افرادی با دیدگاه سیاسی طرفدار براندازی تشکیل

می‌دهند. اجتماع بنفش (۴۱،۸۴٪) عمدتاً روزمره‌نویسانی با گرایش سیاسی برانداز هستند که بخش اعظم شبکه را تشکیل می‌دهند. در جایگاه بعد، اعضای اجتماع سبز (۳۸،۶۵٪) قرار دارند که سیاسی‌نویسانی با گرایش سیاسی برانداز هستند. در بالای گراف، طرفداران موسیقی پاپ کره‌ای با رنگ نارنجی (۱،۶۳٪) تشکیل داده‌اند. در سمت چپ بخش پایینی گراف نیز به رنگ قهوه‌ای (۱،۹۴٪) افراد معتقد به عرفان حلقه و طرفداران محمدعلی طاهری^۱ هستند. اما اگر بخواهیم این شبکه را برحسب عواطف مشترک و متقابل بررسی کنیم، دو گراف زیر را خواهیم داشت که نشان‌دهنده شبکه باز نشر توییت‌ها در دو حوزه مختلف این عواطف است.



نمودار (۸) شبکه باز نشر توییت‌های حاوی عواطف مشترک



نمودار (۹) شبکه باز نشر عواطف متقابل

۱. عرفان حلقه که نام دیگرش عرفان کیهانی است، از بدو شکل‌گیری آن بیش از یک دهه می‌گذرد. این جریان در سال‌های گذشته به صورتی جدی در کشور شروع به فعالیت و برگزاری دوره‌ها و کلاس‌هایی نموده است. بنیان‌گذار این فرقه در درجه اول فردی است به نام محمدعلی طاهری که به عنوان پایه‌گذار و موسس مطرح است و کتاب‌های اصلی این گروه هم به نام وی است؛ یعنی کتاب‌های انسان از منظر دیگر، بینش انسان، عرفان کیهانی، انسان و معرفت، موجودات غیر ارگانیکی و کتاب چند مقاله. محمدعلی طاهری اکنون خارج از کشور است.

همانطور که مشاهده می‌شود در ارتباط با عواطف مشترک گراف درهم‌تنیده‌ای از مجموع گروه‌ها، خوشه‌ها و افراد فعال وجود دارد که محوری‌ترین و فعال‌ترین آنها افرادی بوده‌اند که در رسانه‌های خارج از ایران مشغول بوده و یا افرادی که در گروه سلطنت‌طلبان قرار می‌گیرند. بنابراین توئیت‌های اپوزیسیون خارج از کشور و باز نشر آنها نقش برجسته‌ای در تقویت عواطف مشترک (بالاخص خشم و نفرت) داشته‌اند و به تقویت حس خشم آنان نسبت به گروه‌های غیرخودی، نظام سیاسی و قوه قهریه مبادرت ورزیده‌اند. از سوی دیگر همانطور که مشاهده می‌شود در ارتباط با عواطف متقابل نیز مجموعه‌ای از گروه‌ها، خوشه‌ها و افراد فعال وجود دارد که مهم‌ترین آنها گروه‌های سیاسی‌نویسی‌اند که از فعالان سیاسی، مدنی و حقوق بشر تشکیل شده‌اند. توئیت‌های آنان و باز نشر آنها نقش برجسته‌ای در تقویت عواطف مشترک (بالاخص حس شوق) و نوید تحقق پیروزی و تغییر بنیادین در کوتاه‌مدت را داشته است و با ترسیم آینده‌ای واهی معترضین را دلخوش به سرابی کردند. آنها حتی در برهه آغازین اعتراضات توان تعریف و ترسیم اتویبایی پیش رو را برای معترضین نداشتند. در واقع این همان مفهومی است که ایگلتون (۱۴۰۱) در کتاب خود با عنوان «امید بدون خوش‌بینی» به آن می‌پردازد: «یکی از دلایلی که من علیرغم تفکر اندوه‌بار خویش مبادرت به نوشتن چنین کتابی کردم آن بود که در عصری که، به بیان ریموند ویلیامز، ما را با «حس فقدان آینده» مواجه می‌کند، امید به گونه‌ای حیرت‌انگیز مفهومی فراموش شده است». خوش‌بینی مدنظر او چیزی است که دقیقاً در زمان تلاطم‌های هیجانی جامعه می‌توان آن را مشاهده کرد، نظیر همان عاطفه «شوق» که دلالت بر تحقق آرزوها در زمان کوتاه و به دور از واقع‌بینی دارد. ایگلتون در برابر کسانی که ما را دعوت به خوش‌بینی می‌کنند، سعی دارد نوعی از واقع‌گرایی را نشان دهد.

نتیجه‌گیری

گرچه بعضی مقالات به اتفاقات پس از کشته شدن رهبران جنبش‌های اجتماعی و تاثیر آن بر فراز و فرود و اهداف جنبش پرداخته‌اند (Bob&Nepstad, 2007)، اما کمتر پژوهشی به تاثیر مرگ کنشگران عادی بر جنبش‌های اجتماعی پرداخته‌اند. پرداختن به این موضوع زمانی اهمیت دو چندان خود را نشان می‌دهد که مطالعه جنبش‌های اجتماعی جدید، رهبرناپذیری و فقدان سازماندهی آنها را مشخص می‌کند. از سویی دیگر نیک می‌دانیم از جدی‌ترین شوک‌های اخلاقی می‌تواند مرگ کنشگران باشد، همانطور که در تونس با خودسوزی یک کارگر، فرایند انقلاب شدت گرفت.^۱ در این پژوهش نیز به خوبی این مسئله دیده می‌شود که چطور در آن دسته از شوک‌های اخلاقی که به مرگ شخص یا فردی مرتبط است عواطف تحت‌تاثیر قرار می‌گیرند. اما نکته قابل تامل در مقاله حاضر، شدت گرفتن عواطف مثبت یا متقابل در پی این اتفاقات است. این موضوع نشان می‌دهد گرچه در بعضی جوامع خشم عنصر اصلی، محرک و پیشران اعتراضات بوده و تمرکز محققان نیز بر این عاطفه بوده است (Jasper, 2014)، اما در جامعه ایرانی اشتیاق و امید عواطفی بودند که شدت گرفتند. این موضوع با حافظه^۲ و نوستالژی^۳ مرتبط است. عواطف در واقع در ساخت مجدد گذشته تعامل دارند، زیرا تمامی جنبش‌های اجتماعی خود را با رویدادها یا فعالان خاصی که نمادهای ساختاردهنده حافظه هستند، همراه می‌کنند. حافظه نیز از این جهت اهمیت دارد که جنبش‌ها نیاز دارند هر بار در امواج جدید اعتراض با ترکیبی از سنت و نوآوری هویت‌های گروهی را

1. B2n.ir/n96453

2. Memory

3. Nostalgia

سازماندهی کنند. به عبارت هابزبام (Hobsbawm and Ranger 1983:13)، جنبش‌ها برای افزایش مشروعیت خود، تمایل دارند تا «نوآوری‌های خود را با ارجاع به گذشته ... به سنت‌های انقلاب... و با قهرمانان و شهدای خود ترکیب کنند.» از همین روی در تمام اشکال اعتراض و کنش جمعی در جامعه ایرانی شاهد گرامیداشت کشته‌شدگان هستیم. از اهتمام به عزاداری‌های مذهبی و قیام امام حسین (ع) تا نقش پررنگ کشته‌شدگان مشروطه و انقلاب اسلامی که در سال‌های منتهی به آن یکی از مهم‌ترین اقدامات مردم «چهل‌م»ها و گرامیداشت کشته‌شدگان بود.^۱ در واقع در انقلاب اسلامی هم گویا این محترم شمردن کشته‌شدگان نوعی اشتیاق و امید و مسبب به خیابان آمدن مردم بوده است و این فرهنگ در جامعه ایرانی به میانجی حافظه تاریخی و نوستالژی نهادینه شده، در اکنون نیز قابل مشاهده است. حتی خود «چهل‌م» نیز که نوستالژی متقن از انقلاب اسلامی است در این اعتراضات به شکلی جدی برنامه‌ای برای سازماندهی اعتراضات بود و دو چهل‌م مهم برای «مهسا امینی» و «حدیث نجفی» برگزار شد. از همین حیث نیز قابل فهم است که چطور صدور حکم اعدام در عین حال که عاطفه ترس را افزایش می‌دهد به موازات آن اشتیاق را نیز مجدداً پررنگ می‌کند. اما گویا جامعه ایرانی این احساس را در مقابل کسانی دارد که به نوعی آنها را در قامت «مبارز» و در میدان «مبارزه» دیده است، چراکه مرگ اسرا پناهی که صرفاً یک دانش‌آموز بود چنین احساساتی را بر نمی‌انگیزد.

عواطف مرتبط با دیگر شوک‌های اخلاقی که به مرگ افراد مرتبط نیستند، نوعی مرکزگرایی را بازنمایی می‌کنند. همانطور که در بخش یافته‌ها نشان داده شد، دو حادثه نزدیک به هم از نظر زمانی یعنی نماز جمعه زاهدان و دانشگاه شریف عواطف متفاوتی را برانگیخته است و در حادثه دانشگاه شریف شاهد بروز خشم و همدلی بیشتری هستیم. حتی در این حادثه در شبکه‌های اجتماعی از کنشگری آنلاین فراتررفته و بسیاری از مردم را برای پیوستن و رساندن خود به دانشگاه شریف دعوت کردند و بعضی از مردم نیز خود را به خیابان آزادی و نزدیک دانشگاه رساندند، در حالیکه حوادث مربوط به زاهدان چنین اتفاقاتی را رقم نزد. این حادثه چنان مورد توجه قرار گرفت که حتی وزیر علوم خود را شخصاً در همان شب به محل دانشگاه شریف برای ارزیابی وقایع رساند.^۲

یکی دیگر از نکات قابل تامل در اعتراضات ۱۴۰۱ ایران نقش مهم دیاسپورای ایرانی است. درواقع در عرصه سیاسی، فناوری‌های ارتباطی جای خود را به پویایی‌های دیگر داده است. این فناوری‌ها فرصت‌های مهاجران را برای مشارکت فعال در سیاست کشورشان و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی که مرزها و فرهنگ‌ها را دربر می‌گیرد و درگیر شدن در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را افزایش داده است (Kissau, 2012). در این اعتراضات نیز به شکلی پررنگ ایرانیان خارج از کشور سعی در کنشگری از طرق مختلف داشتند. اما با نمایش گراف‌های عواطف شاهد این موضوع هستیم که میان کنشگری ایرانیان داخل کشور و دیاسپورای خارج از کشور تفاوت وجود دارد. همانطور که در گراف‌ها نشان داده شد، در شبکه‌های بازنشر توییت‌های با محتوای عواطف مشترک بیشتر فعالین خارج از کشور و در گراف توییت‌های حاوی عواطف متقابل بیشتر فعالین داخل کشور فعالیت داشته‌اند. از آنجا که عواطف مشترک، احساسات منفی نسبت به یک ابژه بیرونی را بازنمایی می‌کند، گویی کنشگران و رسانه‌های خارج از ایران بر تفرق، خشم، غم و ترس نسبت به وقایع را بازنمایی کرده‌اند و در عوض کنشگران داخل حول احساس همبستگی و اشتیاق و امید، نظرات خود را به اشتراک گذاشته‌اند، این موضوع به طور مشخص می‌تواند پایه‌ای برای پژوهش‌های آینده باشد. این موضوع با توجه به شیب فزاینده روند مهاجرتی ایرانیان نیز بسیار قابل تامل است. طبق آمار اداره آمار اروپا (Eurostat) مهاجرت ایرانیان به دلایل پناهندگی و سایر

1. B2n.ir/j45329

2. B2n.ir/e04680

محافظت‌ها پس از دی ماه ۱۳۹۶ شیب تندتری گرفته است^۱ که وقوع اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ می‌تواند یکی از دلایل آن باشد. از این حیث مهاجرت برای این افراد به نوعی شبیه به تبعید بوده و از این مجرا می‌توان دلایل بروز عواطف منفی را فهم کرد. در غالب آثار و کتب حوزه جنبش‌های اجتماعی، اعتراض و جنبش را پدیده‌ای مردمی، توده‌ای و برخاسته از متن جامعه می‌دانند. هرچند در مردمی بودن آن تردیدی نیست، اما در جهان رسانه‌ای شده کنونی نقش بازیگران حرفه‌ای در این میدان را باید دو چندان دید و به مردمی بودن جنبش در سایه‌سار بازیگران اصلی این پرفورمنس نگریست. تصور قطبی و ساده‌انگارانه از اعتراض و جنبش که یکسو نظام سیاسی هژمونیک ایستاده و سوی دیگر کنشگران سیاسی مخالف، عامه مردم و هر عنصری غیر از نظام سیاسی در مطالعه حاضر مخدوش گشت. مطالعه حاضر نشان داد «اعتراض دعوی قدرتمندان» است. نزاع بین نظام سیاسی و نیروهای چالشگر، در ملغمه‌ای که نزاع ایجاد می‌کند، نه همه مردم بلکه کاربران فضای مجازی در تلاطم‌اند و به واسطه ابزارهای رتوریک به سمت یکی از دو قطب دعوا متمایل می‌شوند. همچنین داده‌کاوی‌ها نشان می‌دهد بیش از ۸۴ درصد محتوای بازنشری در این کارزار را فعالیت‌های رباتیک و شبه‌رباتیک شامل می‌شود^۲ که نشان از تفوق قدرتمندان بر ابزارهای فناوری و ایجاد انگاره‌های هژمونیک دارد. در واقع نظام سیاسی و نیروهای چالشگر در دو سوی پیوستار جنبش اجتماعی ایستاده و کاربران فضای مجازی (نه همه مردم) در میانه پیوستار قرار گرفته‌اند. رسانه‌ها و شبکه‌هایی که حامی یکی از دو قطب هستند، نقش برجسته‌ای در اقناع مخاطبان دارند اما از آنجا که همیشه، فعالیت رسانه‌ای منجر به اقناع همه مخاطبان نمی‌شود، طیفی از مخاطبان در شرایط تردید، سرگشتگی و واماندگی در جنگ روایت‌ها قرار دارند. این گروه‌ها اقلیاری‌اند که پی به عملکرد رسانه‌ها برده و در چالش رسانه‌های وابسته به دو قطب متضاد به تناقضات پی می‌برند و به راحتی اقناع نمی‌شوند. این گروه کسانی هستند که به طور خاص در میانه پیوستار قرار می‌گیرند. به بیان دیگر در دو قطب اعتراض کنشگران عقلانی منفعت‌جو ایستاده‌اند، نفع گروهی حفظ شرایط موجود و انحصار قدرت و نفع گروه دیگر تغییر شرایط موجود و به چالش کشیدن قدرت و تصاحب آن است و در میانه این دو قطب کاربران فضای مجازی قرار دارند. در این شرایط کنشگران محافظه‌کار و کنشگران تحولی ایستاده در دو سر طیف با کنترل منابع اطلاعاتی و مدیریت رسانه‌ای کنترل عواطف را به دست می‌گیرند، هر چند کاربران در برابر رسانه‌ها منفعل نیستند و گاهی در جهت مخالف تبلیغات رسانه‌ای عمل می‌کنند، اما کنشگری آنها از چنبره رسانه خلاصی نداشته و ایستادگی آنها بر مواضع خود به مواضع رسانه‌های همراستای نگرش سیاسی آنان وابسته است.

1. B2n.ir/e27927

2. B2n.ir/w00280

منابع

- اریک، هوفر (۱۴۰۱). مرید راستین: تاملاتی درباره سرشت جدید جنبش‌های توده‌وار، مترجم شهریار خواجهان، انتشارات اختران ایگلتن، تری (۱۴۰۱). امید بدون خوش‌بینی، مترجمین: معظم وطن خواه، مسعود شیربچه، نشر گستره
- بصری، محمداحسان؛ حبیبی، شیرین و نعمتی، شهلا (۱۴۰۰). تحلیل احساسات توئیت‌های مرتبط با کرونا در ایران با استفاده از شبکه عصبی عمیق. *مطالعات مدیریت کسب و کار هوشمند*، ۱۰ (۳۷)، ۱۰۹-۱۳۴. <https://sid.ir/paper/fa1030700SID>
- پیکری، ناصر؛ یعقوبی، سیدعلی اصغر و طاهری، حمیدرضا (۱۳۹۴). تحلیل احساسات در شبکه اجتماعی توئیتر با تکنیک متن‌کاوی. *کنفرانس بین‌المللی وب پژوهی*. <https://sid.ir/paper/fa897575SID>
- حسین پور، روح‌الله و رشیدی، احمد (۱۴۰۰). اعتراضات دی‌ماه ۹۶: از منظر تئوری جامعه شبکه‌ای. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۱۰ (۳۹)، ۱۰۹-۱۳۹. doi: 10.22054/qps.10.22054
- خواجه سروی، غلامرضا و خجسته، کمیل (۱۳۹۸). الگوی رقابت رسانه‌ای جبهه انقلاب اسلامی با جبهه غربی در فتنه ۸۸ با محوریت فضای مجازی. *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۷ (شماره ۱ (پیاپی ۲۵))، ۱۴۴-۱۷۴. doi: 10.22081/jiss.2019.67398
- ذکایی، محمدسعید و ویسی، سمین (۱۳۹۹). زیست مجازی در ایران، عواطف و خرده‌فرهنگ‌ها در شبکه‌های اجتماعی، نشر آگه رضوی، سید علی محمد؛ کیانپور، مسعود و آقابابایی، احسان (۱۳۹۶). زنان و تجربه احساسات مجازی (مطالعه کیفی چگونگی بروز و ابراز عواطف مجازی دختران شهر قم). *مطالعات راهبردی زنان*، ۲۰ (۷۷)، ۶۱-۸۶. doi: 10.22095/JWSS.2017.59714
- سوادکوهی قودجانکی، مهسا و زربخش بحری، محمدرضا (۱۴۰۱). رابطه سبک زندگی و سبک‌های مقابله‌ای با استرس با احساس تنهایی کاربران توئیتر با نقش میانجی وابستگی به شبکه‌های اجتماعی، <https://civilica.com/doc/1610384>
- فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۹۷). صورت‌بندی مسئله احساسات در ایران معاصر نظریه‌ای درباره‌ی پویایی الگوهای عاطفی در ایران. *مطالعات فرهنگی - ارتباطات*، ۱۹ (۴۳ (مسلسل ۷۵))، ۱-۳۶. <https://sid.ir/paper/fa517045SID>
- فرقانی، میرزا محمد مهدی و نظری، علیرضا (۱۴۰۱). بازنمایی اعتراضات خیابانی دی‌ماه ۱۳۹۶ ایران در بخش خبری ۲۰:۳۰ سیمای جمهوری اسلامی. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۸ (۶۷)، ۸۷-۱۱۱. doi: 10.22034/jcsc.10.22034
- کلاندرمانز، برت (۱۳۹۵). «جدایشدن از جنبش»، ترجمه‌ی سیدعلی‌رضا بهشتی، در: جف گودوین، جنبش‌های اجتماعی و دموکراتیزاسیون، ترجمه‌ی سعید مدنی و همکاران، تهران: روزنه.
- مانوئل، کاستلز (۱۳۹۳). شبکه‌های خشم و امید، جنبش‌های اینترنتی در عصر اینترنت، مترجم مجتبی قلی‌پور، نشر مرکز
- مجدی زاده، زهرا و مولایی، حمیده (۱۳۹۹). جستجوی ایران در توئیتر: فناوری‌های نوین و صدای دیاسپورای ایرانی. *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۲۴ (6)، 99-134. doi: 10.22054/nms.2021.44857.786
- مقدس، علی اصغر و قدرتی، شفیعه (۱۳۹۰). بررسی نقادانه نظریه‌های جامعه‌شناسی عواطف جاناناتان ترنر، تئودور کمپر و ادوارد لاولر (مقاله علمی وزارت علوم) درجه علمی: نشریه علمی (وزارت علوم) درجه علمی در دسته‌بندی سابق وزارت علوم: علمی-پژوهشی، جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان دوره ۲۲ سال ۱۳۹۰ شماره ۲

- Dunu, I. V., & Uzochukwu, C. E. (2015). Social media: An effective tool for social mobilization in Nigeria. *IOSR Journal of Humanities and Social Science*, 20(4), 10-21.
- Christakis, N. A., & Fowler, J. H. (2009). *Connected: The surprising power of our social networks and how they shape our lives*. Little, Brown Spark.

- Grossman, L. (2009). Iran protests: Twitter, the medium of the movement. *Time Magazine*, 17.
- Alnuaim, A. A., Zakariah, M., Shukla, P. K., Alhadlaq, A., Hatamleh, W. A., Tarazi, H., ... & Ratna, R. (2022). Human-computer interaction for recognizing speech emotions using multilayer perceptron classifier. *Journal of Healthcare Engineering*, 2022.
- Ortega-Sánchez, D., Blanch, J. P., Quintana, J. I., Cal, E. S. D. L., & de la Fuente-Anuncibay, R. (2021). Hate speech, emotions, and gender identities: a study of social narratives on Twitter with trainee teachers. *International journal of environmental research and public health*, 18(8), 4055.
- Jasper, J. M. (1998, September). The emotions of protest: Affective and reactive emotions in and around social movements. In *Sociological forum* (Vol. 13, pp. 397-424). Kluwer Academic Publishers-Plenum Publishers.
- Goodwin, J., & Jasper, J. M. (2006). Emotions and social movements. In *Handbook of the Sociology of Emotions* (pp. 611-635). Boston, MA: Springer US.
- Yang, G. (2000). Achieving emotions in collective action: Emotional processes and movement mobilization in the 1989 Chinese student movement. *The Sociological Quarterly*, 41(4), 593-614.
- Benski, T. (2011). Tamar S Herman, *The Israeli Peace Movement: A Shattered Dream*. Cambridge: Cambridge University Press, 2008; 307 pp.: ISBN 9780521884099, US\$85.00/£50.00. *International Sociology*, 26(5), 695-699. <https://doi.org/10.1177/02685809110260051202>
- Khalil, J. F., Khiabany, G., Guaaybess, T., & Yesil, B. (Eds.). (2023). *The Handbook of Media and Culture in the Middle East*. John Wiley & Sons.
- Rodrigo A. Asún, Karina Rdz-Navarro, Claudia Zúñiga & Winnifred Louis (2020): Modelling the mediating effect of multiple emotions in a cycle of territorial protests. *Social Movement Studies*. DOI: 10.1080/14742837.2020.1867093
- Nikolayenko, O. (2022). 'I am tired of being afraid': Emotions and protest participation in Belarus. *International Sociology*, 37(1), 78-96.
- Bright, M., & Eames, C. (۲۰۲۲). From apathy through anxiety to action: Emotions as motivators for youth climate strike leaders. *Australian Journal of Environmental Education*, ۳۸(۱), ۲۵-۳۳. doi: ۱۰.۱۰۱۷/aee.۲۰۲۱,۲۲
- Bettarelli, L., Close, C., & Haute, E. V. (2022). Is protest only negative? Examining the effect of emotions and affective polarization on protest behaviour. *Politics and Governance*, 10(4), 311-324.
- Jasper, J. M. (2014) Emotions, sociology, and protest in book: *Collective Emotions* (pp.341-355) available at <https://researchgate.net>
- Heise, D. R. (2007). *Expressive order: Confirming sentiments in social actions*. Springer Science & Business Media.
- Burke, P. J. (1991). Identity processes and social stress. *American sociological review*, 836-849.
- Scheff, T. (1994). Emotions and identity: A theory of ethnic nationalism. *Social theory and the politics of identity*, 18.
- Gould, D. (2009). *Moving Politics*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Collins, R. (2004). *Interaction ritual chains*. Princeton university press.

- Goodwin, J., & Pfaff, S. (2001). Emotion work in high-risk social movements: Managing fear in the US and East German civil rights movements. In *Passionate politics: Emotions and social movements* (pp. 282-302). University of Chicago Press.
- Berezin, M. (1997). *Making the Fascist Self*. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Le Cour Grandmaison, O. (2002). La guerre d'Algérie et nous. *Lignes*, (3), 195-204.
- BLUMER, H. (1969). Social Movements' in Barry McLaughlin. *Studies in Social Movements*.
- Barbalet, J. M. (1998). Emotion, social structure and social theory: A macrosociological approach.
- Goodwin, J., Jasper, J. M., & Polletta, F. (Eds.). (2001). *Passionate politics: Emotions and social movements*. University of Chicago Press.
- Beyerlein, K., & Sikkink, D. (2008). Sorrow and solidarity: Why Americans volunteered for 9/11 relief efforts. *Social Problems*, 55(2), 190-215.
- Roseman, I. J., Wiest, C., & Swartz, T. S. (1994). Phenomenology, behaviors, and goals differentiate discrete emotions. *Journal of personality and social psychology*, 67(2), 206.
- Thoits, P. A. (1985). Social support and psychological well-being: Theoretical possibilities. In *Social support: Theory, research and applications* (pp. 51-72). Dordrecht: Springer Netherlands.
- Gupta, R., & Srinivasan, N. (2009). Emotions help memory for faces: Role of whole and parts. *Cognition and Emotion*, 23(4), 807-816.
- Williamson, E. (2011, March). The Magic of Multiple Emotions: An Examination of Shifts in Emotional Intensity During the Reclaiming Movement's Recruiting/Training Events and Event Reattendance 1. In *Sociological Forum* (Vol. 26, No. 1, pp. 45-70). Oxford, UK: Blackwell Publishing Ltd.
- Scheff, T. J. (1990). *Microsociology: Discourse, emotion, and social structure*. University of Chicago Press.
- Jasper, J. M. (2011). Emotions and social movements: Twenty years of theory and research. *Annual review of sociology*, 37, 285-303.
- Lawler, E. J., & Thye, S. R. (1999). Bringing emotions into social exchange theory. *Annual review of sociology*, 25(1), 217-244.
- Bob, C., & Nepstad, S. E. (2007). Kill a leader, murder a movement? Leadership and assassination in social movements. *American Behavioral Scientist*, 50(10), 1370-1394.
- Jasper, J. M. (2014). Constructing indignation: Anger dynamics in protest movements. *Emotion review*, 6(3), 208-213.
- Hobsbawm, E., & Ranger, T. (1983). eds. *The invention of tradition*.
- Kissau, K. (2012). Structuring migrants' political activities on the Internet: A two-dimensional approach. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 38(9), 1381-1403. <https://doi.org/10.1080/1369183X.2012.698207>
- Blanke, T., & Venturini, T. (2022). A network view on reliability: using machine learning to understand how we assess news websites. *Journal of Computational Social Science*, 5(1), 69-88.

- Augusiak J, Van den Brink PJ, Grimm V. Merging validation and evaluation of ecological models to 'evaluation': a review of terminology and a practical approach. *Ecol. Model.* 2014;280:117–128. doi: 10.1016/j.ecolmodel.2013.11.009. [CrossRef] [Google Scholar]
- Parmelee, J. H. (2013). Political journalists and Twitter: Influences on norms and practices. *Journal of Media Practice*, 14, 291–305.
- Conway, B. A., Kenski, K., & Wang, D. (2015). The rise of Twitter in the political campaign: Searching for intermedia agenda-setting effects in the presidential primary. *Journal of Computer Mediated Communication*, 20, 363–380
- Bimber, B., Flanagan, A., & Stohl, C. (2012). Collective action in organizations: Interaction and engagement in an era of technological change. *Cambridge, UK: Cambridge University P*
- Bennett, W. L., & Segerberg, A. (2012). The logic of connective action: Digital media and the personalization of contentious politics. *Information, Communication & Society*, 15(5), 739–768.
- Hermida, A., Lewis, S. C., & Zamith, R. (2014). Sourcing the Arab Spring: A case study of Andy Carvin's sources on Twitter during the Tunisian and Egyptian revolutions. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 19, 479–499.
- Gerbaudo, P. (2012). Tweets and the streets: Social media and contemporary activism. *London, England: Pluto Pr*
- Carty, V. (2014). Arab Spring in Tunisia and Egypt: The impact of new media on contemporary social movements and challenges for social movement theory. *International Journal of Contemporary Sociology*, 51, 51–80
- Yates, L. (2015). Everyday politics, social practices and movement networks: Daily life in Barcelona's social centres. *The British Journal of Sociology*, 66, 236–258.
- Isa, D., & Himelboim, I. (2018). A social networks approach to online social movement: Social mediators and mediated content in# freeajstaff twitter network. *Social Media+ Society*, 4(1), 2056305118760807.
- Ogan, C., & Varol, O. (2017). What is gained and what is left to be done when content analysis is added to network analysis in the study of a social movement: Twitter use during Gezi Park. *Information, Communication & Society*, 20, 1220–1238.
- References (In Persian)**
- Razavi, S. A. M., Keyanpoor, M., & Aghababaei, E. (2017). *Women and experiencing virtual emotions (Qualitative Study on the Emergence and Expression of Virtual emotions of Girls in Qom City)*. *Women's Strategic Studies*, 20(77), 61-86. (inPersian)
- Majdzadeh, & Moulai. (2020). *Searching for Iran on Twitter: New technologies and the voice of the Iranian diaspora*. *New Media Studies*, 6(24), 99-134 (inPersian)
- Eagleton, Terry (2023) *Hope without optimism*, translators: Moazzam Watankhah, Masoud Shirbache, Gostareh Publishing House
- Zokaei, M. S., & Veisi, S. (2022). *Understanding the emotional structure of Iranian society through the lens of cyberspace: towards presenting a theory*. *Sociological Cultural Studies*, 13(1), 29-59.

- Fazeli, & Nematullah. (2018). *Formulating the problem of emotions in contemporary Iran, a theory about the dynamics of emotional patterns in Iran. Quarterly Journal of Culture-Communication Studies*, 19(43), 1-36.
- Swadekahi Gudjanaki, & Zarbakhsh Bahri. (2022). *The relationship between lifestyle and stress coping styles with the feeling of loneliness of Twitter users with the mediating role of dependence on social networks. Education Management and Perspective Quarterly*, 4(3), 67-87.
- Moghads, Ali Asghar; Gudari, Shafia (2018) *Critical review of the theories of the sociology of emotions of Jonathan Turner, Theodore Kemper and Edward Lawler Scientific degree: Scientific publication Scientific degree in the former category of the Ministry of Science: scientific-research, sociology Application of Isfahan University, period 22 of 2013, number 2*
- Basiri, Mohammad Ehsan, Habibi, Nemati, & Shahla. (2021). *Sentiment analysis of tweets related to Corona in Iran using deep neural network. Smart Business Management Studies*, 10(37), 109-134.
- Peykari, Naser, Yaqoubi, Seyyed Ali Asghar, and Taheri, Hamidreza. (2014). *Sentiment analysis in Twitter social network with text mining technique. International Web Research Conference. SID. <https://sid.ir/paper/897575/fa>*
- Nazari, & Farghani. (2021). *Representation of the street protests of January 2016 in Iran in the 20:30 news section of the Islamic Republic of Iran. Cultural Studies and Communication Quarterly*
- Khajesarvi, G., & Khojasteh, K. (2019). *The Pattern of Media Competition of the Islamic Revolution Front with the Western Front in Fitna 88 (Sedition of 2009 in Iran) with the Focus on Cyberspace. Journal of Islam and Social Studies*, 7(25), 144-174.
- Klandermans, Bert (2016), "Separation from the Movement", translated by Seyed Alireza Beheshti, in: *Jeff Goodwin, Social Movements and Democratization*, translated by Saeed Madani et al., Tehran: Rosenze.
- Manuel, Castells (2013) *Networks of Anger and Hope, Internet Movements in the Internet Era*, translated by Mojtaba Qolipour, Nahraz
- Eric, Hofer (1401) *True Disciple: Reflections on the New Nature of Mass Movements*, translated by Shahriar Khajian, Akhtaran Publications